

سیر تحول و تطور گروه‌های تکفیری

مطالعه موردی: داعش و القاعده

محمد زارعی*

چکیده

گروه‌های جهادی و تکفیری در حال حاضر از متغیرهای تأثیرگذار و مهم بر جریان‌های سیاسی، اجتماعی و دینی کشورهای خاورمیانه هستند. چگونگی تغییر و تحول در این گروه‌ها و پیش‌بینی اقدامات و برنامه‌های آینده آنها، از موضوعات جذاب و اثرگذار در مراکز تحقیقاتی و پژوهشی است. این مقاله به فعالیت‌های القاعده و چگونگی پیدایش و گسترش داعش می‌پردازد و با طرح 10 شاخص، سیر تحول و تطور از سازمان جهادی القاعده به سازمان تکفیری داعش را تجزیه و تحلیل می‌کند.

واژگان کلیدی

القاعده، داعش، سلفیت جهادی - تکفیری، عمق استراتژیک، مسئله فلسطین - اسرائیل، دشمن دور و نزدیک، استراتژی‌های نظامی

* پژوهشگر مطالعات غرب آسیا، رایانامه: mohammadh222@hotmail.com

تاریخ تصویب: 1394/07/10

تاریخ دریافت: 1394/06/15

مقدمه

تغییر و دگرگونی در دنیای کنونی، از مهم‌ترین ارکان تحولات اجتماعی است. با مقایسه کمی و کیفی تحولات سیاسی - اجتماعی یک دهه اخیر با دهه‌های پیش به نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بیشتر پی می‌بریم. تغییرات سیاسی در عرصه خاورمیانه به دلایل مختلف همواره مد نظر قدرت‌های جهانی بوده است. بررسی مهم‌ترین بحران‌های منطقه‌ای طی 10 سال گذشته، این نتیجه را به دست می‌دهد که خاورمیانه نقطه کانونی این تحولات و بحران‌ها بوده است. یکی از مصادیق در تغییر و دگرگونی‌های اجتماعی، نوع نگاه و عملکرد جنبش‌های جهادی است.

القاعده و داعش دو عنصر به هم پیوسته ولی با تغییراتی در برخی ابعاد و شاخصه‌ها محسوب می‌شوند. در مقاله پیش رو تلاش شده است به این سؤال پاسخ داده شود که در تغییر و تحول از القاعده به داعش، نقاط شاخص متحول شده کدام‌اند؟ به بیان دیگر، تغییر و تطور این دو جریان از چه زوایایی قابل بررسی است؟ در پاسخ به این سؤال، در 10 شاخصه همراه آمار و مستندات، تلاش شده است تحول القاعده به داعش در حوزه‌هایی مانند نگاه به دشمن، توان مالی و لجستیک، ساختار نظامی، کیفیت رهبری، نوع حامیان، توان جذب نیرو و همچنین میزان بهره‌مندی آنها از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی بررسی و تحلیل شود.

مبانی تاریخی و تئوریک

القاعده و داعش دو جنبش با ایدئولوژی مشترک با اندک تمایزات به ویژه در نوع و شیوه دستیابی به اهداف هستند. این دو در زمره نو سلفی‌ها جای می‌گیرند. نو سلفی‌ها یا سلفی‌های جدید بازتعریفی از اسلام و کفر ارائه دادند که دایره

مسلمانان را به شدت محدود می‌کند. البته تقسیم‌بندی‌های متعددی از سلفی‌های اخیر ارائه شده است. یکی از تقسیم‌بندی‌های تا حدی موسع، تقسیم سلفی‌های اخیر به سه دسته است:

الف) سلفیت ارشادی - تبلیغی: از اخوان المسلمین مصر به عنوان بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین جنبش یک قرن اخیر در دنیای اهل سنت (دست‌کم تا قبل از قدرت‌گیری اخیر آنان در مصر) یاد می‌شود که در سایر کشورهای منطقه نیز فعال است. جمعیت اسلامی افغانستان و جماعت اسلامی پاکستان از عینی‌ترین نمونه‌های سلفیت ارشادی - تبلیغی هستند که دستیابی به قدرت را از طریق سازوکارهای دموکراتیک ارشاد و تبلیغ پذیرفته‌اند ولی تاکنون توفیق چندانی نداشته‌اند.

ب) سلفیت جهادی: القاعده بزرگ‌ترین مصداق سلفیت جهادی است. آنان طی دو دهه اخیر تلاش کرده‌اند با برجسته‌سازی غرب به سرکردگی امریکا به عنوان نماد کفر جهانی، گروه‌ها و جمعیت‌های اسلامی را با خود همراه و پیش‌قراولی خود را در مبارزه با به اصطلاح صلیبی‌ها اثبات کنند. آنان حتی در این راه حادثه تروریستی 11 سپتامبر 2001 را رقم زدند، اما این واقعه شرایط حمله امریکا به افغانستان و عراق را تسهیل کرد.

ج) سلفیت جهادی - تکفیری: در این چارچوب داعش بهترین مثال و مصداق است. این جنبش با اشغال بخش عمده‌ای از اراضی دو کشور عراق و سوریه بهتر از دیگران شرایط تشکیل حکومت و اعلام خلافت اسلامی را مهیا کرده است. داعش از یک‌سو تلاش زیادی بر پیروی از سلف دارد و از سوی دیگر جهاد را از مهم‌ترین ارکان دین و مسلمان بودن برمی‌شمارد و در نهایت در تفاوتی آشکار با القاعده، تکفیر مسلمانان دیگر را به شدت در تئوری‌ها، تفسیرها و عملکرد خود به کار می‌گیرد (ملازهی، 1394).

در ریشه‌یابی و بررسی پیشینه القاعده و داعش با دو دسته از نظریه‌پردازان سلفی - جهادی مواجه می‌شویم. دسته اول که تا حدی قدیمی‌ترند شامل احمد بن حنبل، ابن تیمیه و عبدالوهاب هستند که در این میان نقش ابن تیمیه بیشتر از دیگران بوده است. ابن تیمیه بر مواردی مانند منع شفاعت، قابل رؤیت بودن خداوند، مرتد بودن شیعیان و توسعه قلمرو کفر و شرک تأکید داشت. این عقاید را متفکران متأخر مثل سید قطب مصری، ابوالاعلی مودودی پاکستانی و محمد عبدالسلام فرج منطبق با شرایط روز تئوریزه کردند. فروپاشی عثمانی و سپس از بین رفتن خلافت لرزه‌ای بر اندیشه‌های اهل سنت، به ویژه خلافت‌گرایان وارد کرده است (بخشی، 1392).

روی کار آمدن دولت‌هایی سکولار در کشورهای اسلامی، تأسیس رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی، شکست عرب‌ها در جنگ‌های چهارگانه از رژیم اسرائیل، حمله شوروی به افغانستان و شروع اقدامات جهادی علیه نیروهای متجاوز به افغانستان و تلاش امریکا در مقابله با انقلاب اسلامی ایران زمینه رشد و نمو سلفی‌های افراطی را فراهم کرد. اما این رشد و توسعه یکنواخت و بدون فراز و نشیب نبوده است، بلکه در خود دو جریان متمایز را ایجاد کرد: یک جریان معتقد به شروع مبارزه از بیرون (جهان و غرب) و سپس به درون بود و جریان دیگر نقطه آغازین جهاد را در داخل جوامع اسلامی جست‌وجو می‌کرد.

جریان اول القاعده به ایجاد جامعه اسلامی (به زعم خود) از طریق هدف قرار دادن پشتیبانان بین‌المللی - غربی دول «غیر اسلامی» در کشورهای مسلمان معتقد است و جریان دوم که حتی قدیمی‌تر است، به ارجحیت متلاشی کردن نظام‌های سیاسی سکولار بومی در کشورهای مسلمان‌نشین اعتقاد دارد؛ اما این امر به معنای باورمندی آنان به همزیستی مسالمت‌آمیز با غرب نیست. به بیان دیگر هدف هر دو جریان در نهایت ایجاد جامعه جهانی اسلامی است، اما درباره

القاعده فرض بر این است که برای تشکیل حکومت اسلامی لازم نیست از دولت دست‌نشانده سکولار این کشورها آغاز کرد و از آنجا که حامی اصلی این دولت‌ها غرب و امریکاست، باید مستقیماً از آنجا شروع کرد. به زعم بن لادن، نابودی درخت (امریکا) سبب نابودی سایه‌اش (دول دست‌نشانده در کشورهای اسلامی) نیز خواهد شد. ولی جریان مقابل معتقد است جامعه اسلامی مبتنی بر قوانین اسلام باید از داخل بنیان گیرد که از براندازی این دول دست‌نشانده آغاز می‌شود. داعش با این اعتقاد، هدف فوری خود را تأسیس خلافت می‌داند و القاعده اولویت را به مبارزه با کفار غیرمسلمان و امریکا اختصاص می‌دهد. از این رو داعش برخلاف القاعده به تکفیر مسلمانانی روی می‌آورد که برخلاف اندیشه و عمل آنان رفتار کنند. پس دایره اسلام و مسلمانان در نظر داعش به شدت مضیق می‌شود (بخشی، 1392).

القاعده و داعش با وجود اشتراکات ریشه‌ای و تاریخی، به دلیل تفاوت در تفسیر برخی شیوه‌های تحصیلی اهداف، دچار دوگانگی و حتی برخوردهایی کلامی و نظامی شده‌اند. قدرت رو به تزاید داعش به موازات کاهش اقدامات عملیاتی القاعده سبب شد داعش در بسیاری مناطق جایگزین القاعده شود و نسخه‌ای تکمیلی از القاعده به شمار آید. از این رو در توصیف تولد داعش، توالی تاریخی این گونه بیان می‌شود: 1. جماعت التوحید و الجهاد (JTJW) طی سال‌های 1999 تا 2004؛ 2. القاعده عراق (AQI) از 2004 تا 2006؛ 3. مجلس شورای مجاهدین (MSM) سال 2006؛ 4. دولت اسلامی عراق (ISI) از 2006 تا 2011؛ 5. دولت اسلامی عراق و شام یا داعش (ISIS) از 2013 تاکنون.

از مطالعه احوالات و رفتارهای القاعده و داعش اصول و قواعدی استنتاج می‌شود که می‌توان در تفسیر کنش‌های آنان بهره گرفت: 1. گرایش به اسلام جزم‌اندیشانه و بهره‌گیری از سلیقه‌های شخصی؛ 2. قشری‌نگری در تحلیل مسائل

اجتماعی و سیاسی و ارزشمند بودن شدت عمل؛ 3. پیروی از کنش‌های اجتماعی، عاطفی و ارزشی مبتنی بر ارادت شخصی به رهبران و نخبگان؛ 4. پیروی از پراگماتیسم اسلامی و شتابزده و بهره‌گیری از همه راه‌های غیرمشروع برای کسب هدف؛ 5. ایجاد غیریت سیاسی و دینی ستیزه‌جو با بهره‌گیری از حربہ تکفیر (رنجبر شیرازی، 1393: 16).

بررسی شاخصه‌های تطبیقی القاعده و داعش

برای تحلیل و سنجش هر تغییر و تحولی به شاخصه‌ها و ملاک‌هایی نیاز است. به نظر می‌رسد در موضوع یادشده نوع نگاه به دشمن، توان مالی و لجستیک، ساختار نظامی و تشکیلاتی، نوع حامیان و توان جذب نیرو از معیارهای مهم به شمار می‌روند.

1. ساختار نظامی و اطلاعاتی

از آنجا که اساساً گروه‌های سلفی - تکفیری، نظامی و چریکی هستند، ساختار نظامی، مهم‌ترین بخش داخلی این گروه‌هاست. در این میان، القاعده ساختاری نظامی مانند یک ارتش ندارد و در قالب گروه‌ها و شاخه‌هایی در کشورهای دنیا عمل می‌کند. از زمان ظهور القاعده در دهه 1990، گروه‌های سری و خفته در برخی کشورهای اسلامی و عربی شکل گرفتند. در این میان طالبان موفق شد نظام حکومتی با ایدئولوژی همسان با القاعده و با حمایت پاکستان تشکیل دهد، اما القاعده علاوه بر تشکیل ندادن حکومت، هیچ‌گونه ارتش مجهزی نداشت. القاعده صرفاً برای آموزش و تأمین سلاح و همچنین طراحی عملیات‌ها، کمیته‌ای با عنوان «کمیته نظامی» دارد (مجدی، 2015/01/19). در عرصه اطلاعاتی و امنیتی نیز این سازمان یک سرویس اطلاعاتی مجزا ندارد و در حیطه جمع‌آوری

اطلاعات، غالباً از شیوه‌های فردی استفاده می‌کند.

بر خلاف عقیده رایج سلفی - جهادی درباره تشکیل ارتش، داعش یک ساختار نظامی منسجم و هماهنگ مانند ارتش دارد و این مسئله در ساختار تشکیلاتی این سازمان کاملاً تعریف شده است. در ساختار داعش بخشی به نام «شورای نظامی» مانند وزارت جنگ برای یک دولت عمل می‌کند. تعداد اعضای این شورا کاملاً مشخص نیست اما گفته می‌شود بین 9 تا 13 نفر عضو دارد (ابوهنیة، 2014: 40).

نام «شورای نظامی» پس از کشته شدن «نعمان منصور الزیدی» معروف به ابوسلیمان به کار گرفته شد، زیرا این فرد پست وزیر جنگ را تا می 2014 بر عهده داشت (ابوهنیة، 2014: 41). فرمانده شورای نظامی در داعش، به عنوان نایب و جانشین ابوبکر بغدادی به شمار می‌رود. در زمان زرقاوی، وی علاوه بر امیری، منصب وزارت جنگ را نیز بر عهده داشت، اما در دولت اسلامی عراق و امارت ابوعمر البغدادی، ابوحمزه المهاجر وزیر جنگ بود. در دوره خلافت ابوبکر بغدادی، این منصب تحت سیطره حجتی بکر (سمیر عبد محمد الخلیفاوی) بود، اما پس از کشته شدن وی در سوریه در ژانویه 2014، ابوعبدالرحمن البیلاوی (عدنان اسماعیل البیلاوی) بر این مسند نشست که در ژوئن 2014 کشته شد. در حال حاضر، ریاست شورای نظامی با ابومسلم الترمکمانی (فاضل الحیالی) است، اما در 22 سپتامبر 2015 پنتاگون اعلام کرد که وی در حمله هوایی ائتلاف ضد داعش کشته شده است (ابوهنیة، 2014: 41). نکته مهم درباره این شورا، سابقه رؤسا و فرماندهان این بخش در ارتش عراق زمان حکومت صدام حسین است. طبق برخی منابع، حدود 100 تا 160 نفر از افسران نظامی سابق عراق که در دهه‌های گذشته در «الحملة الإیمانیة» (توسط صدام حسین راه‌اندازی شده بود) عضویت داشتند، اکنون در رده‌های بالای سازمان داعش به ویژه شورای نظامی

فعالیت می کنند (معاً برس، 2015/8/9).

شورای نظامی داعش از فرماندهان بخش‌ها تشکیل می‌شود و هر بخش، سه گردان دارد و هر گردان شامل 300 تا 350 رزمنده است. هر گردان به تعدادی گروهان تقسیم می‌شود که هر گروهان دارای 50 تا 60 رزمنده است (ابوهنیة، 2014: 41). شورای نظامی تقسیمات دیگری نیز دارد که بدین شرح است:

1. ستاد مشترک (ستاد ارکان)؛
2. نیروهای عمل‌کننده (نیروهای یورش و هجوم)؛
3. استشهادیون (شهادت‌طلبان)؛
4. نیروهای پشتیبانی و لجستیک؛
5. نیروهای تک‌تیرانداز؛
6. نیروهای تله‌های انفجاری. وظایف و مأموریت‌های این شورا نیز برنامه‌ریزی و طراحی استراتژیک به ویژه برای عملیات‌ها، مدیریت جنگ‌ها و نبردها، تجهیز جنگ‌ها و نبردها، نظارت و مراقبت بر فعالیت‌های فرماندهان نظامی، سرپرستی و مدیریت امور تسلیحاتی و غنایم جنگی است (ابوهنیة، 2014: 41)

علاوه بر ساختار نظامی، داعش یک ساختار اطلاعاتی - امنیتی مجزا دارد و از قدرت و مهارت ویژه‌ای در عرصه اطلاعاتی و امنیتی برخوردار است. به ساختار اطلاعاتی داعش، «شورای امنیتی» اطلاق می‌شود. ریاست این شورا با ابوعلی الانباری است که افسر سابق استخبارات ارتش عراق بوده و دارای چندین معاون است. این شورا در هر ولایتی از خلافت اسلامی (بخش‌های تصرف‌شده عراق و سوریه) یک بخش دارد که مأموریت انتقال نامه‌های طبقه‌بندی‌شده و همچنین هماهنگی و ارتباط با سایر بخش‌های سازمان در ولایت را بر عهده دارد. شورای امنیتی همچنین دارای بخش‌هایی ویژه برای ترورهای سیاسی، ربایش و جمع‌آوری اموال است (ابوهنیة، 2014: 21). علاوه بر این، داعش دارای شاخه‌های اطلاعاتی در برخی کشورهای دیگر است مانند جماعت ولایت سینا در مصر و انصار الشریعه در سرت لیبی.

2. عمق استراتژیک

عمق استراتژیک یا قلمرو جغرافیایی برای القاعده قابل تعریف نیست، زیرا وسعت جغرافیایی و پیوستگی ارضی که از شروط عمق استراتژیک هستند، در سازمانی مانند القاعده مشاهده نمی‌شود و القاعده اراضی تثبیت‌شده‌ای در هیچ کشوری در اختیار ندارد. البته القاعده چشم‌انداز ایجاد عمق استراتژیک آن هم با وسعتی فراوان دارد، اما تحولات و شرایط زمانی امکان چنین امری را برای آنها فراهم نکرده است. در همین راستا، فؤاد حسین، نویسنده اردنی کتابی با عنوان *الزرقاوی؛ الجيل الثاني للقاعدة* طرحی برای سازمان القاعده مطرح کرد که با نام «طرح 20 ساله» معرفی شده است (حسین، 2005). این طرح شامل هفت مرحله زمانی است که از سال 2000 آغاز شده و تا سال 2020 به پایان می‌رسد. مرحله پنجم این طرح، مرحله «اعلام دولت اسلامی» است که سال‌های 2013 تا 2016 را شامل می‌شود و دارای مساحت جغرافیایی بالاست، اما با ظهور داعش، این مرحله توسط این سازمان با تشکیل خلافت اسلامی یا دولت اسلامی به ثمر نشست.

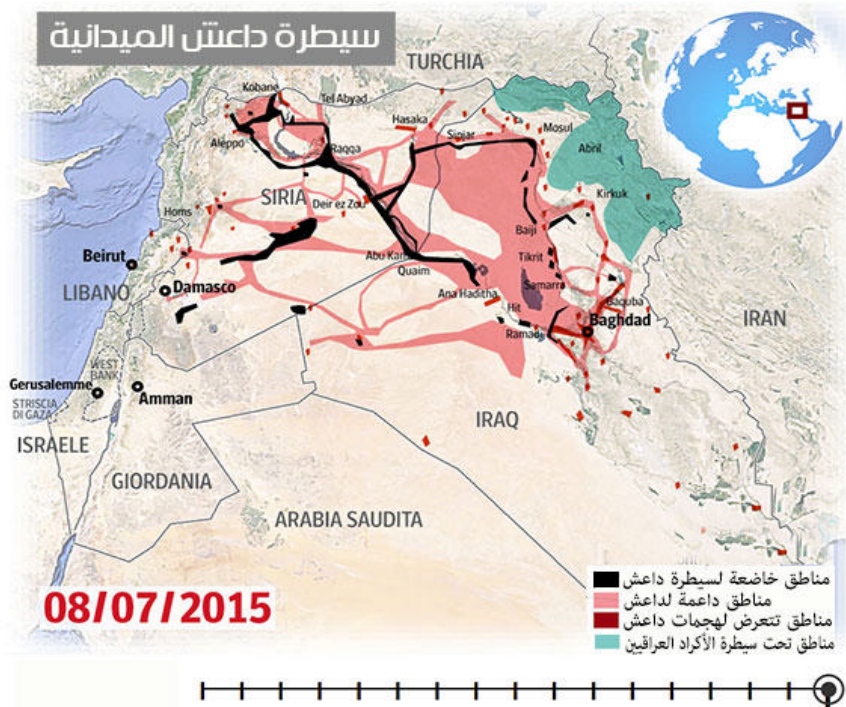
در تفکر القاعده، فراگیر شدن و جهانی شدن، یکی از ملزومات جهاد است. این شمولیت فاقد مرز جغرافیایی است و مرزبندی‌های کنونی دولت‌ها را نیز به رسمیت نمی‌شناسد و به جهاد به عنوان واجبی عینی ایمان دارد. به عبارت دیگر، القاعده، جهاد و جهادی بودن را برای وطن و دولت نمی‌داند بلکه آن را بر اساس عقیده و ایدئولوژی و در هر نقطه‌ای از کره زمین پیگیری می‌کند. به همین دلیل القاعده تشکیل خلافت در برهه کنونی را نمی‌پذیرد و آن را بر اساس مبانی شرعی رد می‌کند (محمد، 2015). طرح القاعده بر اساس تفکر توسعه‌ای فعالیت‌های جهادی - اسلامی به صورت کمی و کیفی است تا در نهایت کل جهان را فراگیرد. این طرح القاعده، پس از کشته شدن بن لادن در سال 2011

توسعه یافت و استراتژی «گرگ تنها»¹ مطرح شد. طبق این استراتژی، شاخه‌های این سازمان در کشورها و افراد وابسته به آن باید مستقل عمل کنند. بر همین اساس القاعده را می‌توان سازمانی خوشه‌ای دانست، زیرا دارای شاخه‌هایی در کشورهای عربی و اسلامی همچون سومالی و سودان است. اما پس از ظهور داعش، بسیاری از این گروه‌ها با داعش بیعت کردند و نفوذ القاعده در مناطق حضور این گروه‌ها کاهش پیدا کرده است. عملکرد القاعده در شبکه‌سازی را می‌توان خوب دانست، اما شبکه و تعدد شاخه‌های القاعده در بسیاری کشورهای اسلامی نیز نمی‌تواند عمق استراتژیک این سازمان محسوب شود و دلیل این امر، پیوسته نشدن این شاخه‌ها یا به عبارتی پراکندگی نیروهای این سازمان در نقاط مختلف است.

بر خلاف القاعده، سازمان داعش با عبور از نظریه جهادی القاعده و معیارهای شرعی و دینی (حسب اعتقاد جریان سلفی)، دولت اسلامی را در بخش‌هایی از عراق و سوریه رسماً اعلام کرد و نیروهای این سازمان از هر مکانی در دنیا برای جهاد به سوریه و عراق می‌روند. این طرح داعش در راستای استراتژی «هجرت به سرزمین خلافت» است که نقطه مقابل استراتژی القاعده یعنی «گرگ تنها» است (مزوز، ژانویه 2015). داعش بر اساس این استراتژی، از کل به جزء می‌رسد و با اعلام خلافت و دولت اسلامی در وهله اول، به توسعه این خلافت و چارچوب جغرافیایی آن می‌پردازد؛ در صورتی که القاعده معتقد به پیاده کردن طرح از جزء به کل است؛ یعنی در مراحل اولیه باید جهاد در جهان فراگیر شود، سپس به ایجاد دولت اسلامی روی آورد.

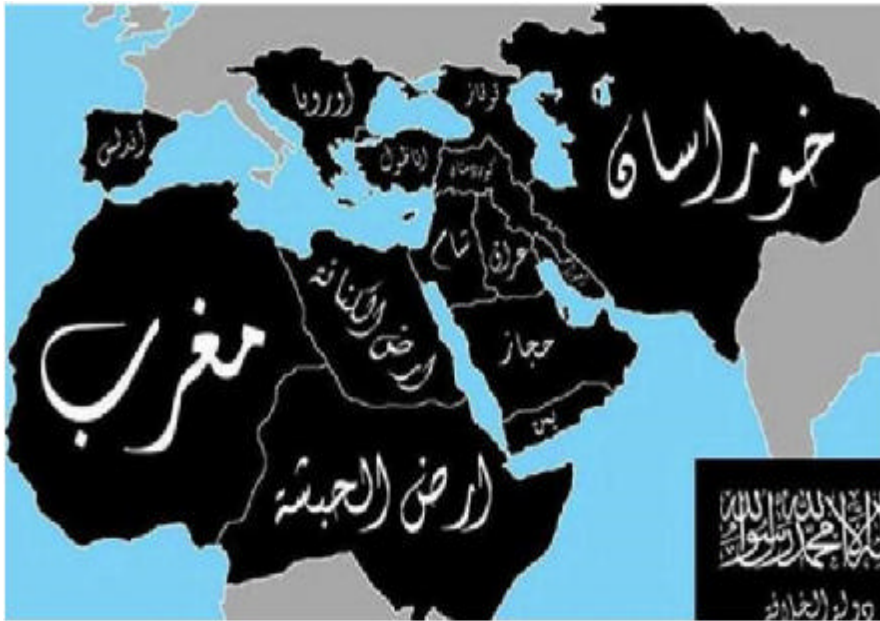
داعش با سیطره بر بخشی از کشورهای سوریه و عراق، توانسته است عمق استراتژیک مناسبی ایجاد و خود را در برابر دشمنانش تقویت کند.

1. این استراتژی در عربی به «الذئاب المنفردة» و در انگلیسی به «Lone wolf» معروف است.



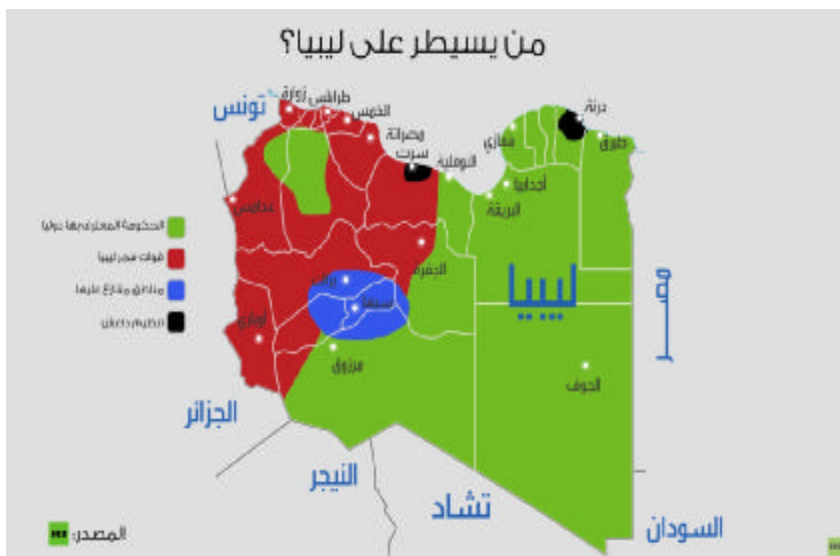
نقشه 1 - سیطره میدانی داعش بر اراضی سوریه و عراق

داعش به دنبال تصرف بیشتر اراضی این کشورهاست و بر حسب رویکرد کشورگشایی این سازمان، به دنبال توسعه اراضی خود به منظور افزایش هر چه بیشتر عمق استراتژیک است و در این راستا، افق عمق استراتژیک خود را با انتشار نقش منطقه‌ای تعریف کرده است.



نقشه 2 - محدوده خلافت اسلامی در نقشه پیش‌بینی شده داعش

داعش علاوه بر ایجاد عمق استراتژیک، با توجه به وسعت و پیوستگی مناطق، طرح خوشه‌ای و شبکه‌ای القاعده را پیاده کرده است؛ با این تفاوت که شاخه‌ها را به تصرف اراضی تحریک و ترغیب و پس از تصرف، آنها را بخشی از خلافت اسلامی اعلام می‌کند. به عبارت دیگر، داعش یک سازمان افقی دارد؛ یعنی از یک سو بر بخش زیادی از اراضی سوریه و عراق مسلط شده است و با اعلام خلافت اسلامی، گروه‌ها و افراد هم‌پیمان خود را به جهاد و مبارزه در این خلافت دعوت می‌کند و از سوی دیگر، گروه‌های بیعت‌کننده با خود را به مبارزه برای تصرف مناطق در سرزمین‌های مورد بحث در خلافت اسلامی تحریک می‌کند تا این سرزمین‌ها به خلافت اسلامی ملحق شوند؛ مانند سیطره گروه انصار الشریعه لیبی بر شهر سرت و درنه این کشور. شایان ذکر است انصار الشریعه با داعش و خلیفه آن بیعت کرده است.



نقشه 3 - تصرفات ارضی داعش در لیبی

در راستای ایجاد ساختار شبکه‌ای برای تقویت عمق استراتژیک، داعش نیز از زمان تأسیس این سازمان، مانند القاعده به سوی ایجاد شاخه‌های متعددی در کشورهای عربی و اسلامی گام برداشت. البته بسیاری از گروه‌های سلفی هم‌پیمان القاعده که با طرح جهادی این سازمان مخالف بودند و آن را قبول نداشتند، با داعش و خلافت اسلامی بیعت کردند (سعید، 2015/03/10). فهرست این گروه‌ها در جدول زیر آمده است.

گروه‌ها و شاخه‌های بیعت‌کننده با داعش در کشورهای مختلف

ردیف	کشور	گروه
1	اندونزی	شبكة المجاهدين
		منتدى نشطاء الشريعة الاسلامية
		حركة توحيد المجاهدين
		حركة الاصلاح الاسلامية
2	فیلیپین	جنبش ابوسیاف
		جنبش بانگسمور و اسلام‌گرایان مدافع آزادی
		جماعت أنصار الخلافة
3	لیبی	جماعة المجاهدون
		گردان ابن محجن الطائفي
		مجلس الشورى شباب الإسلام فى درنة
		أنصار الشريعة
4	مصر	جند الخلافة بأرض الكنانة
		ولاية سيناء
		انصار بيت المقدس
5	الجزایر	گردان الهدى
		جماعة ابو عبدالله عثمان العاصمى
		جند الخلافة
6	تونس	أنصار الشريعة
		گردان عقبه بن نافع
7	نوار غزه	گروهان شیخ عمر حدید
8	اراضی فلسطینی	مجلس الشورى المجاهدين فى أكتاف بيت المقدس

9	سوریه	سازمان خراسان
10	اردن	گروه أبناء دعوة التوحید والجهاد
11	سودان	جماعت الإعتصام بالكتاب و السنة
12	کردستان عراق	أنصار الإسلام
13	نیجریه	بوکوحرام
14	سومالی	شباب المجاهدين
15	موریتانی	أنصار الدين
16	ازبکستان	جنبش اسلامي
17	لبنان	گردان احرار السنة
18	افغانستان	جماعة الأحرار
19	هند	جماعة أنصار التوحید
20	مالی	جماعة أنصار الدين

علاوه بر این گروه‌ها، بسیاری از افراد سلفی نیز با داعش بیعت کرده‌اند. بسیاری از رهبران و اعضای شاخه‌های القاعده در کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی و یمن و همچنین گروهی از نیروهای القاعده همراه جنگجویان پاکستانی و افغانی طالبان جزو این دسته از افراد هستند (صالح، جولای 2015). حتی در سوریه و عراق، پس از اینکه ایمن الظواهری در سال 2013 اعلام کرد جبهه النصره شاخه القاعده در سوریه است، اختلافات و درگیری‌هایی میان داعش و جبهه النصره ایجاد شد. در این بین، بسیاری از سلفی‌های القاعده، به سمت داعش رفتند و به این سازمان ملحق شدند، زیرا داعش را دارای یک ایدئولوژی، گفتمان و همچنین استراتژی زودبازده می‌دانستند.

3. توان مالی و اقتصادی برای لجستیک

توان مالی و اقتصادی شامل حامیان مالی و منابع طبیعی است. در عرصه حامیان مالی، القاعده از حمایت برخی دولت‌ها به ویژه دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس برخوردار است (محمد، 2015/02/08). علاوه بر این، منابع مالی القاعده بر حمایت مالی بن لادن (قبل از مرگش) و خانواده وی و سرمایه‌گذاری آنها در دولت‌های حاشیه خلیج فارس، هدایا و زکات گروه‌ها و افراد ثروتمند در تمام کشورها و همچنین کمک‌های خیریه استوار است (محمد، 2015/2/8)؛ اما این سازمان از منابع طبیعی بهره زیادی ندارد، زیرا بر منطقه جغرافیایی خاصی سیطره ندارد.

داعش تا سال 2010 که به عنوان شاخه‌ای از القاعده بود، از همان شیوه‌های تأمین مالی القاعده استفاده می‌کرد؛ ولی پس از این تاریخ، توانست ثروت‌های هنگفتی را از طریق سیطره بر بخش‌هایی از عراق و سوریه به دست آورد؛ به همین دلیل در حال حاضر، به عنوان ثروتمندترین گروه سلفی و تروریستی جهان در تاریخ به شمار می‌رود. اما قطعاً این جمع‌آوری ثروت، یکباره انجام نشده بلکه به تدریج صورت گرفته است. از زمان ابومصعب الزرقاوی شبکه‌های مالی و سرمایه‌گذاری متعددی طرح‌ریزی شد و منابع مالی تنوع خاصی ایجاد کردند. از زمان تأسیس جماعت توحید و جهاد نیز یک کمیته مالی فعال تشکیل شد که به جمع‌آوری اموال لازم برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف اقدام می‌کرد. این کمیته، شبکه‌ای از فعالان تخصصی در عرصه جمع‌آوری هدایا و مساعدت‌ها از طریق تجار و مساجد بود که دولت‌های ثروتمند حاشیه خلیج فارس و اروپا در رأس آن قرار داشتند (ابوهنیة، 2014: 39). همچنین جمع‌آوری اموال از داخل عراق، منابع مالی ویژه از غنایم به دست‌آمده از سیطره بر مناطق و ایجاد مالیات‌های مختلف، از فعالیت‌های دیگر کمیته مذکور بود. با رشد و نفوذ سازمان

و اعلام تأسیس «دولت اسلامی عراق» وزارتخانه‌ای در سال 2006 تشکیل شد که مختص ثروت‌های نفتی و منابع طبیعی بود (ابوهنیة، 2014، 31). در سال 2009، وزارت دیگری به نام وزارت امور مالی تشکیل و یونس الحمدانی به عنوان وزیر تعیین شد (ابوهنیة، 2014: 21).

در حال حاضر داعش بخشی موسوم به «بیت‌المال» دارد که ابوبکر بغدادی کاملاً بر آن مشرف است (ابوهنیة، 2014: 40). وجه تسمیه این بخش با توجه به ذات اسلامی و تاریخی سازمان است. ریاست این بخش را «موفق مصطفی الکرموش» برعهده دارد (ابوهنیة، 2014: 31). این بخش مالی، از زمان سیطره بر موصل در سال 2014، پیشرفت چشم‌گیری داشته است. سازمان بر مساحت وسیعی از اراضی در عراق و سوریه سیطره پیدا کرد. برخی پژوهش‌ها بر این باورند که سرمایه سازمان دو میلیارد دلار تا پایان سال 2014 بوده است. این سرمایه از منابع مالی متعدد و وسیعی تأمین می‌شود که عبارت‌اند از (ابوهنیة، 2014: 40):

1. هدایا و مساعدت‌ها؛ طبق بسیاری از گزارش‌های مطبوعاتی، تعداد زیادی از ثروتمندان، علمای دینی اهل سنت و شخصیت‌های عربی حاشیه خلیج فارس از سازمان حمایت مالی می‌کنند. طبق گزارش منابع دیپلماتیک، بزرگ‌ترین منابع مالی داعش، ثروتمندان سعودی هستند (المنار، 2015/08/23).

2. صدقه و زکات: منبرها در مساجد و شبکه‌های اسلامی در سال‌های 2011 و 2012، مسلمانان اهل سنت را تشویق می‌کردند تا زکات و صدقات خود را برای حمایت از جهاد و مقاومت در سوریه بدهند. این اموال نیز مستقیم به دست داعش می‌رسید.

3. عواید آزادی خارجی‌های ربوده‌شده؛

4. زیربناها، تجهیزات و کالاهای مناطقی که بر آنها سیطره پیدا می‌کنند.

5. معادن و منابع طبیعی: مهم‌ترین این منابع، نفت و گاز موجود در مناطق

اشغال شده در سوریه و عراق است. داعش تقریباً تا پایان نوامبر 2014 بر بیش از 80 چاه نفتی مسلط شده است و آنها را به صورت کلی یا خارجی از طریق تجاوز می‌فروشد و ماهیانه حدود دو میلیون دلار از این راه کسب درآمد می‌کند. علاوه بر این، بر معادن طلا در موصل سیطره دارد.

6. اخذ مالیات‌ها؛

7. اموال دولتی: داعش پس از سیطره بر موصل، بر بسیاری از اموال موجود در بانک‌ها و مؤسسات دولتی که حدود ده‌ها میلیون دلار می‌شود، سیطره پیدا کرد.

8. عواید کشاورزی: اکنون حدود یک‌سوم تولید گندم در عراق زیر نظر داعش است.

9. اقدامات غیرقانونی و تروریستی؛

10. تعرفه‌های گمرکی.

بنابراین، داعش بر خلاف القاعده، هم از حامیان مالی مناسب و هم از منابع طبیعی چشم‌گیر برخوردار است. داعش هم از سوی بازرگانان و تجار کشورهای عربی و ثروتمندان تأمین می‌شود و هم با سیطره بر منابع نفتی عراق و سوریه و صادرات آنها، سود مالی هنگفتی کسب می‌کند که یکی از پایه‌های اصلی حفظ سیطره داعش بر عراق و سوریه، سودآوری همین منابع طبیعی است. داعش توانسته است با صادرات و واردات، خود را در چرخه اقتصاد بین‌المللی ادغام کند و برعکس القاعده، از جهانی شدن اقتصاد بهترین استفاده را ببرد و به گونه‌ای خود را از نظر مالی مستقل کند.

4. کیفیت رهبری و ساختار تشکیلاتی

از آنجا که مبانی فکری، فقهی و اندیشه‌ای سازمان‌هایی مانند القاعده و داعش، بر پایه برخی مبانی فکری اهل سنت تدوین شده است و به اصطلاح درصدد اجرای

شریعت اسلامی هستند، چگونگی رهبری آنها نیز بر اساس این گرایش‌ها تعریف می‌شود. برای شناخت بهتر اختلافات این دو سازمان در مقوله رهبری، باید در وهله اول با ساختار سازمانی و تشکیلاتی آنان آشنا شد.

مأموریت‌های داخل سازمانی در القاعده، در ابتدا با کسی است که به عنوان «امیر» شناخته می‌شود؛ اما «مجلس شورایی» در رأس امور قرار دارد که همه مأموریت‌های سازمان را تعریف و تعیین و سپس رهبری امور را به امیر تفویض می‌کند (ابوالولید، 2013/10/09). مجلس، شورایی متشکل از مجلس اعیان (شورای اهل حل و العقد)، امیر سازمان و کمیته‌های زیر است (ابوالولید، 2012/10/9):

1. کمیته نظامی: مسئول آموزش، تأمین سلاح و همچنین طراحی عملیات‌ها؛
2. کمیته مالی: مسئول امور مالی سازمان؛
3. کمیته دینی: نام دیگر این کمیته، کمیته شرعی است که مسئول پژوهش‌های اسلامی و فتوای‌های شرعی است.
4. کمیته اطلاع‌رسانی: این کمیته در اواخر دهه 90 تأسیس شد و مسئول تبلیغات و اطلاع‌رسانی این سازمان است.
5. کمیته پزشکی: معالجه مجروحان، نظارت بر صحت و سلامت اعضا و همچنین تأمین دارو و تیم پزشکی از مأموریت‌های این کمیته است.
6. کمیته قضایی: قاضی وابسته به این کمیته را امیر انتخاب می‌کند و به صورت مستقیم با وی در ارتباط است.
7. کمیته دیوان: این کمیته از یک سو مسئول آمار و احصای اعضا و نیروهای سازمان چه زنده و چه اسیر و کشته و از سوی دیگر مسئول حفظ اسناد متعلق به رهبران و اعضای سازمان است.
8. کمیته روابط خارجی: مأموریت این کمیته، ایجاد کانال‌های ارتباطی با گروه‌ها و افراد هم‌پیمان این سازمان در خارج افغانستان و همچنین هماهنگی

درباره فعالیت‌ها و عملیات‌هاست.

البته طبق برخی منابع دیگر، پس از امیر، رئیس هیئت عملیات، مجلس شورایی و رهبر القاعده در عراق وجود دارد. علاوه بر این، کمیته‌های مذکور در این ساختار تعریف شده‌اند که با ساختار مذکور مشترک است (مجدی، 2015/01/19).

اما در ساختار سازمانی داعش، روندی صعودی دیده می‌شود. این سازمان در ماه‌های اول مانند سایر گروه‌های سلفی - جهادی، ساختاری خوشه‌ای داشت، اما پس از تأسیس جماعت توحید و جهاد، با اضافه کردن مؤسسات و هیئت‌های تخصصی، پیشرفت کرد و توسعه یافت و به عنوان شاخه القاعده در عراق، «قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» نام گرفت. در پی ورود این سازمان به بحران سوریه، این ساختار توسعه چشم‌گیری داشت تا اینکه قسمتی از مناطق عراق را به اشغال در آورد و دولت اسلامی عراق و شام را تشکیل داد. با تشکیل خلافت اسلامی، داعش ساختاری مرکزی یافت که به عنوان یک دولت به شمار می‌رود. ساختار کنونی این سازمان به شرح زیر است (ابوهنیة، 2014: 35-42):

1. خلیفه: به عنوان سرپرست خلافت، رهبری دینی و سیاسی است که پس از انتخابش از سوی مجلس شورایی و شورای اهل الحل و العقد، اطاعتش واجب است. خلیفه اختیاراتی شبه‌مطلق در اعلام جنگ و صلح دارد. خلیفه همچنین بر بخش‌های مهم سازمان مانند امنیت، اطلاعات و ضد اطلاعات ولایت‌ها، مجلس شورایی، شورای نظامی، اطلاع‌رسانی و تبلیغات، هیئت‌های دینی و بیت‌المال اشراف دارد.

2. مجلس شورایی: این مجلس، اتخاذ تصمیم‌های مهم و ترسیم سیاست‌های کلی را برعهده دارد. تعداد اعضای این مجلس ثابت نیست و در مواقع مختلف متغیر است؛ اما غالباً بین 9 تا 11 نفر هستند. از ناحیه نظری، این مجلس اختیار عزل خلیفه را دارد.

3. اهل الحل و العقد: این اصطلاح که به روش انتخاب خلیفه اول اشاره دارد، در اهل سنت با عنوان «اهل الاختیار» مشهور است. اعضا باید دارای سه شرط عدالت، دانش کافی و تدبیر باشند (فیرحی، 1392: 36). این شورا در داعش دربرگیرنده جمعی از اعضا مانند امرا، علما، فرماندهان، سیاست‌مداران، ثروتمندان و شیوخ مردم است که با خلیفه بیعت می‌کنند و او را به منصب خلافت بر می‌گزینند.
 4. هیئت دینی: انتشار کتب، نامه‌ها، خطبه‌های ابوبکر بغدادی، بیانیه‌ها، فیلم‌ها، سرودها و موارد تبلیغاتی خاص از مأموریت‌های این بخش است. این هیأت شامل دو بخش است: الف) دادگاه‌های دینی و نهاد قضاوت میان مردم؛ ب) وعظ و ارشاد و همچنین فراخوان و جذب نیرو.
 5. اطلاع‌رسانی و تبلیغات: این بخش مسئول انتشار مجلات، کتب، فیلم‌ها، تصاویر و ایدئولوژی سازمان از طریق شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی است و مؤسسات بسیاری زیر نظر آن فعالیت می‌کنند.
 6. بیت‌المال: مسئول تأمین مالی سازمان به روش‌های مختلف است.
 7. شورای نظامی: این شورا مسئول تمام عملیات‌ها و نبردها، طراحی عملیات‌ها، تأمین سلاح و نظارت بر فرماندهان و نیروهای نظامی است.
 8. شورای امنیتی: مسئول تمام فعالیت‌های اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی و همچنین امنیت نیروها، بخش‌ها و رهبران است.
 9. تقسیمات اداری: داعش مناطق تحت سیطره خود در عراق و سوریه را به واحدها و بخش‌های اداری تقسیم کرده است که هر بخش، «ولایت» نام دارد. مسئول هر ولایت، والی است و معاونان وی نیز به صفت «امیر» موسوم هستند. داعش در عراق و سوریه، 16 ولایت دارد. هر ولایت نیز به شهرهایی تقسیم می‌شوند که «قاطع» نام دارد.
- با توجه به تفاسیر یادشده، ساختار سازمانی القاعده، ابتدایی و تقریباً ساده و به

صورت هرمی است. در این ساختار، قدرت در رأس هرم که رهبر سازمان است، متمرکز شده است؛ اما داعش از ترکیبی از ساختارهای هرمی و خوشه‌ای پیشرفته استفاده می‌کند که قدرت به صورت مطلق در خلیفه متمرکز نیست و مجلس شورایی و شورای حل و عقد نیز قدرت نسبی دارند. به این ساختار سازمانی، «ساختار افقی» نیز می‌گویند. با توجه به این اختلاف ساختاری، کیفیت رهبری در این دو سازمان چگونه است؟

القاعده و داعش در عرصه رهبری و مدیریت، تفاوت‌هایی دارند که غالباً ناشی از تفکر جهادی و ساختار سازمانی آنهاست. این تفاوت‌ها بدین شرح است:

- القاعده معتقد به «امارت» است؛ بر این اساس، طرح جهاد و جهادی بودن بر اساس عقیده و ایدئولوژی و در هر نقطه‌ای از کره زمین را تفسیر می‌کند و هر گروهی که با سازمان مادر بیعت می‌کند، امارتی را در نقطه‌ای از کشور خود تشکیل می‌دهد. این امارت‌ها نهایتاً زمینه یک خلافت بزرگ را ایجاد می‌کنند. به همین دلیل هیچ‌گاه اسامه بن لادن یا ایمن الظواهری اعلام خلافت نکرده و فقط شاخه‌های این سازمان در کشورهای جهان، با این گروه بیعت کرده‌اند. اما اکنون داعش «خلافت» را مطرح کرده است؛ به گونه‌ای که هر فرد از افراد وابسته به این گروه، باید به سرزمین خلافت یعنی عراق و سوریه هجرت و برای فراگیر شدن جهاد در تمام مناطق، از این خلافت اقدام کنند. به عبارت دیگر، اگر امارت را جزء و خلافت را کل در نظر بگیریم، القاعده معتقد است که باید از جزء به کل رسید اما داعش خود را ملتزم می‌داند از کل به جزء باید رفت.

- براساس اختلاف درباره امارت و خلافت، رهبر القاعده با عنوان «امیر» شناخته می‌شود که در گروه طالبان که ساختار و مواضعی بسیار نزدیک به القاعده دارد، لقب «امیرالمؤمنین» گرفته است. برای مثال، طالبان پس از فوت ملا عمر در اواخر تابستان 1394، بیانیه‌ای منتشر و اعلام کرد که بیعت‌کنندگان با ملا عمر،

وی را امیرالمؤمنین می‌دانستند و اکنون ملا منصور را به عنوان امیرالمؤمنین خود می‌دانند (عبدالخلیم، 2015/04/11)؛ اما داعش ابوبکر البغدادی، رهبر این سازمان را به عنوان «خلیفه» معرفی می‌کند.

- یکی از اختلافات مهم این دو سازمان در بحث رهبری، حق اولویت در اخذ بیعت برای امر خلافت و امارت است. القاعده اخذ بیعت برای این سازمان از سوی تمام گروه‌های جهادی از جمله گروه داعش را حق خود می‌داند؛ اما داعش هرگز خود را زیرمجموعه‌ای از القاعده حساب نکرد و از همین رو دست به اقدامی بی‌سابقه یعنی اعلام خلافت زد و ادعا کرد که سران القاعده باید با بغدادی به عنوان «خلیفه» بیعت کنند.

- داعش در نظریه خلافت، قریشی بودن را شرط رهبری می‌داند و از این رو البغدادی نسب خود را به پیغمبر اکرم (ص) می‌رساند؛ اما القاعده قریشی بودن را برای رهبری امارت لازم نمی‌داند و همین مسئله باعث شد در دوره‌ای، اعضای طالبان با ملا عمر که قریشی نبود، بیعت و وی را به عنوان امیر «امارت افغانستان» معرفی کنند.

علاوه بر تمام اختلافات یادشده، نکته درخور توجه در رهبری و ساختار سازمانی داعش، حضور افسران و فرماندهان سابق ارتش عراق در زمان صدام حسین است. طبق برخی منابع، بسیاری از تصمیم‌ها را این افسران می‌گیرند که به هیچ وجه گرایش‌های سلفی ندارند (ابوهنیة، 2014: 43). در همین راستا، اکثر اعضای مجلس شورایی، اهل حل و عقد، شورای نظامی و برخی دیگر از بخش‌های سازمان داعش، این افسران و فرماندهان هستند که نقش اصلی را در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری سازمان دارند.

5. جایگاه مسئله فلسطین و اسرائیل

موضوع فلسطین و نحوه مواجهه با آن همواره یکی از مهم‌ترین سؤال‌ها و مسائل برای دولت‌ها، جنبش‌ها و گروه‌های اسلامی طی حدود 70 سال گذشته بوده که در دهه‌های اخیر برجسته‌تر شده است که القاعده و داعش نیز از آن مستثنی نیستند. در مجموع گرایش به اسلام جزم‌اندیشانه یکی از مشترکات گروه‌های سلفی - جهادی است. تفسیرهای شخصی و سلیقه‌ای در جای جای اندیشه و عمل القاعده و داعش به چشم می‌خورد؛ اما تفاوت این دو سازمان در مسئله فلسطین با چهار مشخصه «نقش و جایگاه فلسطینی‌ها در القاعده و داعش»، «نگاه فلسطینی‌ها به این دو گروه»، «نوع مواجهه اسرائیلی‌ها با آنها» و «خدمت یا خیانت القاعده و داعش به مسئله فلسطین» قابل تشخیص و تجزیه و تحلیل است.

بدون شک جایگاه فلسطینی‌هایی مانند عبدالله عزام، متولد جنین، ابومحمد المقدسی، متولد نابلس و ابوقتاده فلسطینی متولد بیت‌لحم در القاعده و نقش آنها در تثبیت تئوریک و فرماندهی میدانی القاعده قابل چشم‌پوشی نیست؛ در حالی که فلسطینی‌ها به لحاظ سازمانی در داعش جایگاه چندانی ندارند. هرچند از تعدادی فلسطینی در ساختار تشکیلاتی ابوبکر بغدادی نام برده می‌شود، در مقایسه با نفوذ و جایگاه آنان در القاعده ناچیز است.

نگاه فلسطینی‌ها به دو سازمان القاعده و داعش نیز حاوی نکاتی است که نشان از فاصله‌گیری فلسطینی‌ها از داعش دارد. اقدامات منفی داعش علیه فلسطینی‌های ساکن اردوگاه یرموک و اعدام تعدادی از فلسطینی‌های مبارز در این اماکن موجب نفرت از آنان شده است. بر اساس نظرسنجی انجام‌شده میان فلسطینی‌ها، 93 درصد آنها را نماینده اسلام واقعی نمی‌دانند (گودرزی، 1393: 48)؛ در حالی که چنین نگاه منفی از سوی فلسطینی‌ها به القاعده مشاهده نمی‌شود.

نوع مواجهه اسرائیلی‌ها با القاعده و داعش به عنوان سومین مشخصه حاکی از

این واقعیت است که آنها با دستمایه قرار دادن تهدید این سازمان‌های تروریستی به دنبال تأمین منافع خود بودند. رژیم صهیونیستی با مستمسک قرار دادن وقایع تروریستی 11 سپتامبر 2001، ضمن شبیه‌سازی القاعده به فلسطینی‌های مبارز و بن‌لادن به یاسر عرفات، حملات گسترده و بی‌رحمانه‌ای علیه ساکنان کرانه باختری با عنوان «عملیات سپر بازدارنده» انجام داد. شارون، نخست‌وزیر وقت رژیم اسرائیل، آشکارا دستور هدف قرار دادن شیخ احمد یاسین و عبدالعزیز رنتیسی، رهبران حماس و محاصره عرفات، رئیس تشکیلات خودگردان را داده بود. نتانیاهو، نخست‌وزیر کنونی این رژیم نیز از عملکرد داعش در عراق و سوریه کاملاً راضی به نظر می‌رسد و سران این رژیم بهترین وضعیت در سوریه را تداوم شرایط کنونی می‌دانند زیرا بشار اسد و دولت سوریه به عنوان مخالف آنها کماکان درگیر مسائل داخلی خود هستند.

سرانجام مشخصه خدمت یا خیانت القاعده و داعش به مسئله فلسطین را می‌توان بررسی کرد. در حالی که بخش عمده‌ای از توان تخریبی القاعده برای مقابله با دنیای غرب (به زعم آنان صلیبی‌ها) متمرکز شده بود، داعش تقریباً تمام توان خود را بر اشغال اراضی کشورهای اسلامی (عراق، سوریه و لبنان) با کمک چند کشور منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گذاشته است. داعش به صورت رسمی هرگونه تقابل با اسرائیل را نفی کرده و اظهار داشته اعلام جهاد علیه اسرائیل در تضاد با آموزه‌های اسلامی است. آنان این گزاره را از قاعده «العدو البعيد - العدو القریب» استنتاج می‌کنند.

با این تفاسیر می‌توان مدعی شد القاعده نقشی تحریکی را در قبال فلسطین عهده‌دار شد؛ زیرا بوش، رئیس‌جمهور وقت امریکا، پس از وقایع 11 سپتامبر به ارائه طرح نقشه راه برای حل بحران فلسطین در سال 2003 پرداخت، اما داعش نقشی تخریبی را بر عهده گرفت. این ادعا بدان علت بیان می‌شود که پس از

اشغال بخش بزرگی از دو کشور عراق و سوریه، از یک سو سران رژیم صهیونیستی اعلام کردند که دیگر از سمت شرق هیچ نگرانی ندارند زیرا چندین ارتش عربی مضمحل شده است و از سوی دیگر فلسطینی‌ها با مشاهده اوضاع منطقه، مسئله فلسطین را نه تنها مسئله‌ای ثانوی بلکه موضوعی دست چندی در عرصه‌های رسمی و غیر رسمی می‌بینند. هرچند گروه‌های وابسته به داعش در نوار غزه همچون گروهان شیخ عمر حدید با انجام چند عملیات موشکی علیه اراضی اشغالی 1948، درصدد عرض اندام هستند، این وقایع را نیز باید با هدف بر هم زدن اوضاع نوار غزه و در راستای نقش تخریبی داعشی‌ها دانست.

6. نگاه ایدئولوژیک به دشمن

شاید اصلی‌ترین تفاوت القاعده و داعش را بتوان در نگاه ایدئولوژیک این دو سازمان به دشمن دانست. قشری‌نگری و جزم‌اندیشی در تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی در نگاه این دو سازمان به وفور دیده می‌شود. القاعده و داعش هر دو معتقدند که با کفر سر جنگ دارند، اما گفتمان آنها در این عرصه متفاوت از یکدیگر است و اولویت‌هایشان در مقابله با دشمن بر اساس نظریه «دشمن بعید» و «دشمن قریب» فرق می‌کند. القاعده معتقد است دشمن بعید، روافض (شیعیان) و دشمن قریب، صلیبی‌ها (غرب و استکبار) هستند. بر این اساس، القاعده خود را در وهله اول ملزم به قتال و مبارزه با دشمن نزدیک یعنی صلیبی‌ها و مسیحیان یا به عبارتی غرب به سرکردگی امریکا می‌داند. البته نسل اخیر این سازمان به ویژه شاخه‌های آن در برخی کشورهای عربی، استراتژی خود را بر مبارزه با حکومت‌ها، دولت‌ها و ارتش‌های عربی متمرکز کرده‌اند.

القاعده معتقد به اعتدال تاکتیکی و همکاری و هماهنگی با سایر گروه‌های اسلامی است و اولویت جنگ با کشورهای فرامنطقه‌ای را راهبردی تر می‌داند. در

ادبیات القاعده، چیزی به عنوان تکفیر شیعه وجود ندارد. در ادبیات القاعده تا قبل از ظهور ابومصعب الزرقاوی در عراق، هیچ موردی در ارتباط با عنوان اطلاق حکم علیه شیعه یافت نمی‌شود؛ بنابراین موضوع جهانی شدن جهاد نزد القاعده، با اولویت مبارزه با غرب بسته شده است. این مسئله در نامه‌های بن لادن قبل از مرگش در می 2011 کاملاً آشکار است. بن لادن در این نامه، انتقاد و نارضایتی خود را از اقدامات برخی شاخه‌های القاعده به ویژه القاعده عراق اعلام می‌کند (محمد، 2015/02/08). القاعده این عقیده خود را با حوادث 11 سپتامبر و انفجار قطارهای لندن و مادرید در سال 2005 نشان داده است.

بر خلاف القاعده، داعش دشمن بعید را غرب و استکبار و دشمن قریب را دولت‌های عربی منطقه و روافض می‌داند. اولویت داعش کشتن شیعیان است و به صورت مستقیم، دولت‌های منطقه در محیط پیرامونی خود را هدف قرار داده و می‌دهد و آنچه تاکنون نشان داده این است که سر جنگ با غرب و اسرائیل ندارد. اولویت جنگ با دشمن قریب یعنی شیعیان و دولت‌های عراق و سوریه مسئله‌ای است که گرایشی کاملاً طایفه‌ای به داعش داده و آن را از القاعده متمایز کرده است. داعش در بحث نگاه ایدئولوژیک به دشمن، از رشید رضا، نظریه‌پرداز سلفی، و ابن تیمیه تبعیت و شیعیان را تکفیر می‌کند و خون‌شان را مباح می‌داند (قادری، 1390: 225). الزرقاوی اولین کسی است که هدف قرار دادن شیعیانی را که در فرایند سیاسی در سال 2004 مشارکت کرده‌اند، مجاز شمرد. سپس این حکم پیشرفته‌تر شد و عموم شیعیان را هدف قرار داد و در همین ایام موضعی از سوی رهبران القاعده در عراق صادر شد که مستند به تفکرات ابن تیمیه در تکفیر شیعیان و جواز کشتن آنها به عنوان طایفه‌ای مشرک بود. پس از آنکه داعش از دل القاعده عراق متولد شد، این تفکر شدت یافت و تمام شیعیان جهان را در این چارچوب قرار داد. اختلاف القاعده با داعش در این راستا، به گونه‌ای است که

الظواهری در ژوئن 2005 نیز طی نامه‌ای که به الزرقاوی می‌نویسد، به شدت به تکفیر شیعیان از سوی الزرقاوی و یارانش انتقاد می‌کند و به وی هشدار نیز می‌دهد (مزاحم، 2015/04/29).

7. توان جذب نیرو

القاعده از زمان تأسیس در سال 1988 تا قبل از ظهور داعش، در جذب نیرو تا اندازه زیادی موفق بوده است. القاعده طی این سال‌ها، با ابزار و شیوه‌هایی مانند فقر و بیکاری نزد خانواده‌ها، ضعف فکری و دینی نوجوانان و جوانان، تولید و انتشار کتب و مجلاتی همچون Inspire، شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های اینترنتی (البته در سال‌های قبل از ظهور داعش، القاعده استفاده از این ابزار را آزاد کرد، در حالی که بیشتر نگاه سلفی القاعده بر استفاده نکردن از این فناوری استوار بود)، منبر و خطابه در مساجد و... اقدام به جذب نیرو کرد؛ اما پس از ظهور و بروز داعش، نه تنها دیگر پویایی و توانایی خاصی در جذب نیرو نداشت، بلکه بسیاری از نیروها و گروه‌های تحت فرمان این سازمان که با ایمن الظواهری بیعت کرده بودند، با البغدادی بیعت کردند و به داعش ملحق شدند.

داعش از اصطکاک گروه‌های سلفی قبل از خود با تکنولوژی و فناوری روز استفاده و بسیار تلاش کرد از حالت جمود فکری گروه‌های سلفی بیرون آید و نیروهای بیشتری را از این طریق جذب کند. این سازمان، هم قبل و هم بعد از سیطره بر بخش‌هایی از اراضی سوریه و عراق، طی مدتی کوتاه توانست بسیاری از جوانان را از این دو کشور و همچنین دولت‌های آسیایی و اروپایی جذب کند. پیوستن نیروهایی با تابعیت‌های مختلف و از اقصی نقاط جهان به داعش در عراق و سوریه، نشان‌دهنده توانایی و پتانسیل بالای این سازمان در جذب نیرو است. در همین راستا، CIA (سرویس اطلاعات خارجی امریکا) در سپتامبر 2014

اعلام کرد که داعش بین 20 تا 30 هزار رزمنده دارد (سویدی، 2015/04/14). شورای امنیت ملی روسیه نیز در همین تاریخ، نیروهای داعش را بین 30 تا 50 هزار رزمنده تخمین می‌زند (سویدی، 2015/04/14). این آمارها تخمینی است و به مرور زمان با توجه به جذب نیروی مستمر از سوی داعش تغییر و تحولات زیادی دارد.

سازمان سیا در اواسط 2015 نیز اعلام کرد که داعش 31 هزار و 500 نیروی رزمنده دارد (ابوهنیة، 1394: 51). حتی ممکن است در این زمینه اغراق شود. بر همین اساس، پایگاه امریکایی WND تعداد نیروهای نظامی داعش را 6 برابر آنچه سرویس اطلاعاتی امریکا گفته است، بیان می‌کند. این پایگاه، نیروهای نظامی داعش را حدود 180 هزار نفر اعلام کرده است (ابوهنیة، 1394: 51). برخی نیروهای جذب‌شده در داعش، افسرانی در ارتش‌های برخی کشورها یا مسئولان امنیتی در سرویس‌های امنیتی این دولت‌ها بوده‌اند. برخی از آنها نیز مربیان آموزش‌های رزمی، جنگی و ورزشی بوده‌اند که هر یک از آنها می‌توانند افراد زیادی را تربیت کنند. این روند بیانگر توانایی زیاد داعش در جذب نیروست. اشکال و شیوه‌های جذب نیرو نزد داعش بسیار بیشتر و پیشرفته‌تر از القاعده است. این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

- شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی: داعش از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر و همچنین سایت‌های اینترنتی مانند یوتیوب به بهترین نحو اقدام به جذب نیرو کرده است. این کار فقط از طریق صدور بیانیه انجام نشده، بلکه فیلم‌های بسیاری را نیز منتشر کرده است که هر کدام حاوی پیام‌هایی برای بینندگان این فیلم‌هاست. حتی برخی سایت‌ها و صفحات در شبکه‌های اجتماعی، ویژه جذب نیروها از یک کشور است، مانند پایگاه اینترنتی «ask.fm» برای جذب نیروهای انگلیسی (الشربینی، مراد، عفیفی و الغزالی، 14 سپتامبر 2014). در همین راستا، بیش

از 80 درصد نیروهای اروپایی و کشورهای غربی این سازمان از طریق شبکه‌های اجتماعی جذب داعش شده‌اند (الشربینی، مراد، عفیفی و الغزالی، 14 سپتامبر 2014). آمارهایی وجود دارد که داعش در اوایل 2015 موفق شده است بیش از 3400 نفر را از طریق پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی جذب کند (الشوری، 2015/06/23).

- بازی‌های کامپیوتری و انیمیشن: داعش با تولید بازی کامپیوتری «صلیل الصوارم» و فیلم‌های انیمیشنی توانست از ضعف دینی و فکری طبیعی نوجوانان و جوانان استفاده و بسیاری را به سوی ایدئولوژی خود جذب کند.

- نشر و توزیع مجله‌ای مانند دابق به دو زبان عربی و انگلیسی و ارسال به ایمیل حامیان و طرفداران داعش؛

- موفقیت‌های داعش طی دو سال اخیر مبنی بر سیطره بر بخش‌های وسیعی از اراضی عراق و سوریه با پردازش تئوری خلافت؛

- اختلافات طایفه‌ای: داعش از ساختار طایفه‌ای مناطق سنی‌نشین عراق و سوریه استفاده می‌کند و از قبایل و طوایف اهل سنت علیه شیعیان بهره می‌گیرد. بسیاری از رؤسای قبایل و عشایر سنی این دو کشور نیز با داعش و خلیفه آن بیعت کرده‌اند.

- شست‌وشوی ذهنی از نظر ایدئولوژیک از طریق برگزاری جلسات: داعش با برگزاری برخی جلسات دینی با محوریت موضوع جهاد، این فریضه دینی را به گونه‌ای جلوه می‌دهد که بسیار پر مخاطب است. در این جلسات معمولاً نوجوانان و جوانان بین 16 تا 20 سال حضور پیدا می‌کنند که طبق آخرین پژوهش‌ها، عوامل انتحاری داعش نیز از میان این افراد هستند (محمد، 2014/12/15).

- ارائه امتیازات فراوان: ابوبکر بغدادی در آگوست 2014 طی نامه‌ای دستور داد هر یک از عناصر سازمان که قصد ازدواج دارند، این اقدام را برای وی تسهیل

کنند و یک باب منزل با اثاثیه کامل را در اختیار وی و زوجه‌اش بگذارند. در ضمن بغدادی مقرر کرد به هر زوج 1200 دلار هدیه ازدواج بدهند. از سوی دیگر باید توجه کرد هر رزمنده‌ای که ازدواج می‌کند، علاوه بر حقوق ماهیانه خود که حدود 400 دلار است، ماهیانه 50 دلار به عنوان حق هر فرزند و 100 دلار به عنوان حق هر یک از همسرانش دریافت می‌کند. علاوه بر همه اینها، تأمین سوخت اتومبیل وی نیز بر عهده خلافت است (محمد، 2015/12/15). همین مسئله باعث شده است بسیاری از جوانان برای رسیدن به این امتیازات، از کشورهای خود به مرزهای خلافت مهاجرت کنند.

- زنان: یکی از شیوه‌های جذب نیرو در داعش، زنان هستند. داعش با جذب و به کارگیری زنان و آزادی فعالیت آنان توانسته است از طریق آنها بسیاری از مردان را نیز جذب کند. این مسئله از مسیر جهاد نکاح به فعلیت رسیده است.

- تربیت کودکان: داعش برای کودکانی که به 10 سال رسیده‌اند، دوره‌های آموزشی در عرصه‌های فکری، نظامی، دینی و... برگزار و آنها را از همان کودکی برای عضویت در داعش تربیت می‌کند. در این راستا، دوره‌هایی برای این کودکان با عنوان «دورة الأشبال» برگزار می‌شود. حتی برای کودکان یتیم دوره‌هایی با عنوان «طیور الجنة» برگزار می‌شود (محمد، 2014/12/15)

- سرودهای جهادی: سرودهای آهنگین جهادی تولیدشده توسط داعش، بسیاری از جوانان را برای جنگ در سوریه و عراق تهییج می‌کند.

8. بهره‌گیری از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

سازمان القاعده اولین گروه از جریان سلفی است که با وسایل اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی بروز و ظهور پیدا کرد. اسامه بن لادن، رهبر این سازمان، در سال 1988 تصمیم به تأسیس اداره اطلاع‌رسانی موسوم به «الجنح الإعلانی» در القاعده

گرفت (مدحت، 2015/02/22). این اداره به صورت تدریجی توسعه یافت و در سال 2009 با عنوان مؤسسه اندلس (مؤسسة الأندلس للإنتاج الإعلامي) شناخته شد (مدحت، 2015/02/22). پس از آن نیز سخنگوی رسمی و شاخه اطلاع‌رسانی سازمان در بلاد مغرب اسلامی، بخشی از ساختار اصلی سازمان شد و هدف آن، اطلاع‌رسانی اقدامات مجاهدین در افغانستان علیه شوروی بود که سپس به ابزاری علیه اسرائیل و امریکا تبدیل شد. القاعده همچنین چندین مؤسسه تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی مانند «السحاب للإنتاج الإعلامي» و «الجهة الإسلامية العالمية» دارد که در راستای ترویج افکار این سازمان و حمایت از سیاست‌های آن فعالیت می‌کنند. علاوه بر این، مجله‌ای موسوم به Inspire از سوی این سازمان منتشر می‌شود. که حاوی آموزش‌های نظامی است.

سازمان القاعده از آغاز تاکنون، در این عرصه چهار مرحله را طی کرده است:

1. مرحله جهادی در افغانستان: در این مرحله که در دهه 1980 بود، جریان سلفی با محدودیت ارتباط با نیروها و طرفداران خود روبه‌رو بود و فقط از طریق مساجد و ایراد خطبه، برخی مجله‌ها و فعالیت‌های اجتماعی محلی اقدام به تبلیغات می‌کرد.

2. آغاز فعالیت القاعده: طی دهه 1990 با تأسیس و آغاز به کار سازمان القاعده،

فیلم‌های ویدئویی خطبه‌های رهبران القاعده در برخی شبکه‌های ماهواره‌ای عربی پخش می‌شد.

3. پس از حادثه 11 سپتامبر 2001: حادثه 11 سپتامبر تقریباً هم‌زمان با شیوع

اینترنت در تمام کشورها بود. القاعده نیز پس از عملیات 11 سپتامبر، اقدام به ایجاد هزاران سایت، پایگاه اینترنتی و تالار گفت‌وگو با هدف ارتباط با اشخاص و افراد کرد.

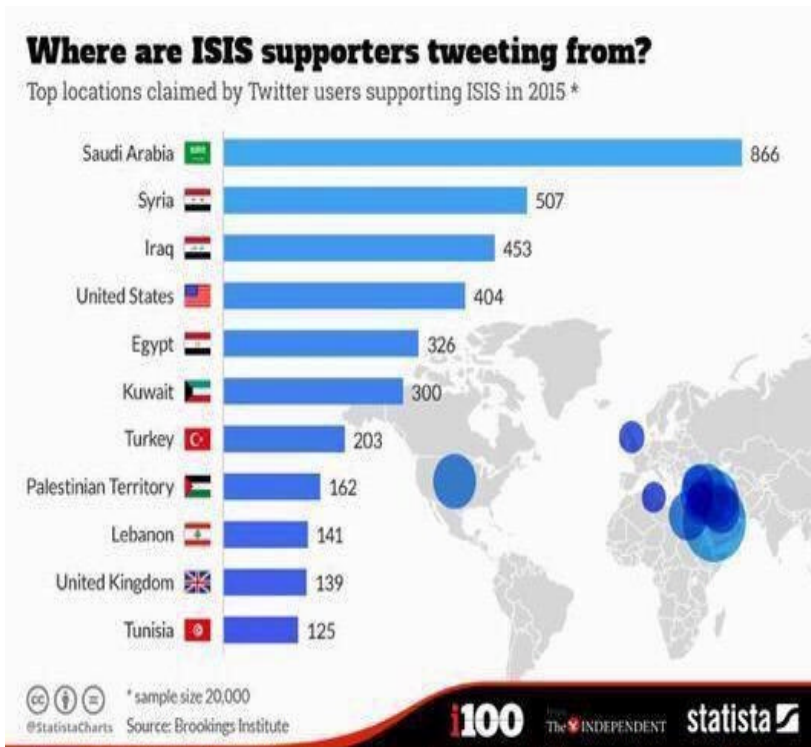
4. پس از سال 2003: در پی اشغال عراق توسط امریکا در سال 2003، القاعده و

شاخه‌های این سازمان در عراق، علاوه بر به کارگیری سایت‌های اینترنتی، از شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی نیز به نحو احسن استفاده کردند، زیرا اشغال عراق تقریباً هم‌زمان با ظهور شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک بود. شبکه‌هایی مانند «صفحة الجهاد» در فیس‌بوک و «شموخ الاسلام» که یک تالار گفت‌وگو و حلقه وصل بین کاربران فیس‌بوک است، در این راستاست (الشوری، 2015/06/23).

اما داعش در عرصه تبلیغات و رسانه، بسیار بهتر و فعال‌تر از القاعده بوده و هست. بهره‌گیری داعش از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، برخلاف القاعده، یکی از مسائل مهمی است که در رشد و پیشرفت این گروه تکفیری تأثیر بسزایی داشته است. اولین وسیله اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی که سازمان داعش از آن برای ترویج سیاست‌هایش بهره گرفت، یوتیوب بود. داعش فیلم‌های ذبح افراد به دست نیروهای این سازمان و همچنین عملیات‌هایش در عراق و سوریه و سایر نقاط دنیا را روی این پایگاه اینترنتی منتشر کرده و می‌کند. نمونه‌های بارز آن، فیلم ذبح جیمز فولی، خبرنگار امریکایی، و ذبح 21 مصری در لیبی است. علاوه بر این، فیلم‌های تبلیغاتی که معمولاً آموزش نیروهای سازمان را نشان می‌دهد، روی یوتیوب پخش شده است.

علاوه بر یوتیوب، داعش از شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر نیز بسیار استفاده می‌کند. مرکز بروکینز امریکایی پژوهشی در مارس 2015 با عنوان «آمار توئیتری داعش؛ شناسایی و توزیع جمعیت حامیان داعش در توئیتر»¹ اعلام کرد در حال حاضر 45 هزار حساب در توئیتر وجود دارد که حامی داعش هستند (March 2001, Berger and Morgan). بین کشورهایی که بیشترین صفحات حامی داعش در توئیتر را دارند، عربستان سعودی در رأس است و سوریه و عراق به ترتیب جایگاه‌های دوم و سوم را دارند. استفاده گسترده داعش از این

شبهه‌ها، دولت عراق را مجبور کرده است در بسیاری مناطق، اینترنت را قطع کند یا فیلترینگ سنگینی برای آن در نظر بگیرد (مدحت، 2015/02/22).



آمار صفحات توئیتری داعش در کشورهای مختلف

داعش از طریق انتشار این تصاویر و فیلم‌های ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی، چندین هدف را دنبال می‌کند که عبارت‌اند از:

1. نمایش قدرت: این هدف در چارچوب استراتژی ایجاد تصویر ذهنی است. این استراتژی با ارسال و القای دو پیام انجام می‌شود: الف) نشر و ترویج افکار و ایدئولوژی؛ ب) جذب نیرو از طریق نشان دادن قدرت.
2. به کارگیری جذابیت برای خلافت: داعش با به کارگیری اصطلاحات تاریخی که در دهه‌های ظهور اسلام شایع بود، تصویری از یک خلافت را برای مسلمانان اهل

سنت ایجاد می‌کند که به دنبال اجرای شریعت خداوند متعال است.

3. ایجاد جنگ روانی: تمرکز اصلی داعش در عرصه الکترونیکی و فضای مجازی، جنگ روانی با هدف ایجاد رعب و وحشت است. تصاویر و فیلم‌های ویدئویی که معمولاً اعدام و سر بریدن افراد است، با همین هدف منتشر می‌شود. داعش حتی از شبکه‌های اجتماعی برای جلب نظر حامیان‌ش استفاده می‌کند و به آنها در ارائه دیدگاه‌ها و مشاوره، نوعی شخصیت می‌دهد. نمونه این امر، هشتکی است که این سازمان قبل از سوزاندن معاذ الکسابه، خلبان اردنی، در صفحات خود در اواخر دسامبر 2014 ایجاد کرد. داعش با راه‌اندازی این هشتک با عنوان «پیشنهاد یک راه برای کشتن خلبان اردنی»¹ از حامیان خود می‌خواهد پیشنهادهایی درباره کیفیت و نوع کشتن این خلبان ارائه دهند (الشوری، 2015/06/23). از سوی دیگر، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، فضایی عالی برای داعش در جذب و استخدام نیروهای نوجوان هستند که ضعف دینی و فکری طبیعی دارند. داعش در این راستا، از تاکتیک بازی‌های کامپیوتری و فیلم‌های انیمیشنی استفاده می‌کند. نمونه بارز این بازی‌ها، «صلیل الصوارم» است. داعش از طریق این صفحات دعوت به پیوستن به این سازمان نیز می‌کند. همچنین پس از الحاق فردی به سازمان، خبر آن را درج می‌کنند. حتی آموزش نیروها از طریق این صفحات، در دستور کار داعش قرار گرفته است. به عبارت دیگر، پایگاه‌های آموزشی داعش، از عالم واقعی به دنیای مجازی منتقل شده است و این سازمان، نیروهای خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی در اینترنت آموزش می‌دهد.

علاوه بر شبکه‌های اجتماعی، داعش در عرصه تبلیغات و اطلاع‌رسانی فعالیت‌های دیگری دارد. این سازمان دو مجله بسیار پرمخاطب به نام دابق و الشامخة دارد که به دو زبان عربی و انگلیسی منتشر می‌شوند و نسخه چاپی آنها

را در مناطق تحت سیطره خود در سوریه و عراق توزیع می‌کند و نسخه pdf آنها را نیز به ایمیل مرتب‌تین خود در سراسر دنیا می‌فرستد و سپس در برخی پایگاه‌های اینترنتی خود منتشر می‌کند. این مجله‌ها حاوی اخبار سازمان، تصاویر توضیحی و همچنین عملیات‌های نظامی این سازمان است. رادیو «البیان» در موصل عراق و رادیوی دیگری در شهر رقه سوریه، از وسایل اطلاع‌رسانی دیگر این سازمان هستند که با هدف نشر اخبار و عملیات سازمان راه‌اندازی شده‌اند.

در ساختار سازمانی داعش، بخش تبلیغات و اطلاع‌رسانی جایگاه بسیار والایی دارد. طبق مندرجات روزنامه الحیات، چاپ لندن، در اواخر سال 2014، شوکت حازم الفرحات، ملقب به ابو عبدالقادر، مسئول بخش اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی داعش است. اما مرکز الجزیره معتقد است نهاد اطلاع‌رسانی داعش، شورایی گسترده به رهبری ابوالآثیر عمرو العبسی است (الدحیلان، 2015/02/20). این نهاد مؤسسات اطلاع‌رسانی فراوانی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: الفرقان (قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مؤسسه اطلاع‌رسانی داعش)، الإعتصام، مرکز الحیاة، أعماق، البتار، دابق، الخلافة، أجناد، الغرباء، الإسراء، الصیقل، الوفاء، نسائم، خبرگزاری البرکة خبرگزاری الخیر و ... (أبو هنیة، 2014: 35). پیروی از پراگماتیسم در فتاوا، دستورها و تحلیل‌ها با هدف بهره‌گیری هرچه بیشتر از ابزارها در راستای توجیه عملکردها و اقدامات نابهنجار امری واضح و مشخص است.

با این تفاسیر باید گفت داعش در استفاده از تکنولوژی و فناوری اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی، برای پیگیری اهداف خود بسیار موفق عمل کرده است، به گونه‌ای که می‌توان این سازمان را باهوش‌ترین سازمان تروریستی جهان در طول تاریخ قلمداد کرد؛ زیرا علاوه بر سلاح و ادوات جنگی، ابزارهای فکری و تبلیغاتی پیشرفته‌ای دارد که آن را از سایر سازمان‌های تروریستی متمایز می‌کند. در واقع، پس از آنکه داعش اعلام خلافت اسلامی کرد، القاعده نتوانسته است در

پیام‌های خود به مشکلات روز اشاره کند که نشان‌دهنده ضعف القاعده در استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به ویژه فیس‌بوک و توئیتر است.

9. جایگاه زنان

دیدگاه داعش به زنان بسیار متفاوت از دیدگاه القاعده و طالبان است. این تفاوت، به نقش، جایگاه و نوع فعالیت‌های زنان در القاعده و داعش برمی‌گردد که برخی از آنها بدین شرح است:

الف) میزان اختلاط با مردان: القاعده هرگز اجازه نمی‌دهد که اختلاط یا ارتباطی میان زنان و مردان جز در شرایط ضروری آن هم به صورت کوتاه انجام شود، اما در داعش، طبق دستور شرعی که سازمان صادر کرده است، زنان اجازه دارند به مناطق درگیری و جبهه‌های نبرد به صورت فردی یا حتی با فرزندان‌شان یا بدون هیچ‌گونه محرمی سفر و به عنوان رزمنده فعالیت کنند یا اینکه همسری برگزینند (الوسط، 2015). همین موضع داعش، مقوله جهاد نکاح را نیز تأیید می‌کند.

ب) گستره فعالیت زنان: زنان القاعده علاوه بر فعالیت‌های منزل، با ترویج تفکر سازمان از طریق اینترنت یا مجالس و محافل خاص از سازمان حمایت فکری می‌کنند و فعالیت‌شان از طریق مدیریت برخی انتشارات این سازمان مانند مجله خنساء و بعضاً مجلات دیگر مانند صوت الجهاد و صدی المجاهدین محدود می‌شود (الدیار، 2015/08/07)؛ در حالی که زنان داعش علاوه بر فعالیت از طریق اینترنت، در فعالیت‌های سازمان به صورت میدانی نیز مشارکت و از رفتار و فعالیت‌های زنان مراقبت و حتی اقدام به بازداشت مخالفان ایدئولوژیک داعش می‌کنند و آنها را مورد تفتیش و بازرسی قرار می‌دهند. به همین منظور، در داعش گردانی به نام «خنساء» وجود دارد. داعش علاوه بر دادن نقش محوری به زنان در شبکه‌های اجتماعی با هدف به کارگیری استراتژی جذب نیرو، مأموریت تبلیغات

و ترویج ایدئولوژی سازمان و همچنین فعالیت‌هایی مانند جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات را به زنان محول کرده است. زنان داعش در ارائه گزارش‌ها به رهبری سازمان و عضوگیری از زنان کشورهای عربی و غربی نیز فعالیت‌هایی مشخص دارند (العاصمه، 2014/05/08).

ج) اهتمام به خانواده: القاعده از زنان خود برای مشارکت در تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌هایی استفاده می‌کند که به نفع خانواده‌های آنهاست؛ مانند تظاهرات شهر بریده در مرکز استان القصیم در ناحیه مرکزی عربستان سعودی که تظاهرات‌کنندگان خواستار بسته شدن پرونده بازداشت‌های خودسرانه حکومت آل سعود شدند؛ اما داعش زنان را به ترور همسران و نزدیکان‌شان که مخالف تفکرات سازمان هستند، تشویق و تحریک می‌کند (الوسط، 2015).

بنابراین داعش در مقایسه با آنچه از طالبان و القاعده سراغ داریم، از زنان فعالانه‌تر استفاده می‌کند. برخلاف القاعده، داعش در تلاش است جامعه‌ای ریشه‌دار و دائمی ایجاد کند؛ لذا بسیار سعی می‌کند زنان مسلمان جهان را نه فقط از اروپا و امریکا بلکه از آسیای مرکزی جذب خود کند تا خانواده‌هایی برای این گروه به وجود آورد.

10. استراتژی‌های نظامی

استراتژی نظامی جریان سلفی - جهادی، طی چند دهه اخیر تحولات بسیار چشم‌گیری داشته است:

1. نسل اول جریان سلفی از جنگ‌افزارهای نظامی سنتی استفاده می‌کند و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، تجهیزات و آموزش‌های پیشرفته ندارد. در به کارگیری سلاح و اجرای عملیات‌ها، بر قدرت فردی تکیه دارد و با سایر سازمان‌های افراطی و تکفیری در خارج از عرصه‌ای که در آن زندگی می‌کند،

ارتباطی ندارد. عملیات‌های این نسل بسیار محدود است مانند برخی سازمان‌های تکفیری در مصر در دهه‌های 1970 و 1980 از جمله جماعت تکفیر و الهجرة.

2. نسل دوم جریان سلفی، در سازمان القاعده متبلور می‌شود که سازمانی تقریباً آموزش‌دیده است ولی ارتش ندارد. القاعده پس از اسامه بن لادن، تغییر استراتژی داد و از مرکزگرایی به اعطای استقلال به شاخه‌های خود روی آورد. این مسئله در بلاد عربی و شمال افریقا بارز بود.

3. نسل سوم جریان سلفی، با سازمان داعش شناخته می‌شود که در سطح یک دولت ظاهر شده و ارتش نظامی، دستگاه اطلاعاتی، سلاح‌های پیشرفته و نیروهای آموزش‌دیده در سطح بالا دارد و از همین رو، از استراتژی نظامی پیشرفته و متفاوتی با دو نسل قبلی برخوردار است.

تفاوت‌های بارزی در استراتژی نظامی القاعده و داعش وجود دارد. اوایل، القاعده از عملیات‌های چریکی، انتحاری و بمب‌گذاری استفاده می‌کرد؛ پس از حادثه 11 سپتامبر، القاعده به این سمت گرایش پیدا کرد که در تصمیم‌گیری عملیات‌ها باید مرکزیت وجود داشته باشد، اما در اجرا نیازی به مرکز نیست. در واقع پس از 11 سپتامبر، به دلیل انزوای جغرافیایی القاعده، این سازمان تصمیم به ایجاد شاخه‌هایی در کشورهای عربی و اسلامی گرفت. هر شاخه‌ای می‌بایست خود به اجرای عملیات‌های اقدام کند، اما باید حتماً مرکز را در جریان قرار دهد. به این استراتژی نظامی، استراتژی «مرکززدایی» یا «گرگ تنها» گفته می‌شود (عنجرینی، 2015/09/24). از این رو، تحولی مهم در استراتژی جهادی القاعده ایجاد و از مرکزگرایی به مرکززدایی منتقل شد. این استراتژی جدید را یکی از اعضای القاعده به نام ابومصعب السوری مطرح کرد؛ بدین منظور متنی مکتوب در 1600 صفحه با عنوان «الإستراتيجية اللامركزية للجماعات الجهادية» منتشر شد (الشوری، 2015/06/23). هدف از این استراتژی از یک سو ایجاد ساختاری

خوشه‌ای و فردی از طریق تشکیل گروه‌هایی در اقصی نقاط دنیاست، زیرا سنت‌های قدیمی مثل ساختار هرمی مانعی برای ادامه فعالیت‌های القاعده بود. از سوی دیگر ممکن است بازداشت یک عضو، موجب فروپاشی کامل سازمان در ساختار هرمی شود. به همین دلیل «جهاد فردی» در چارچوب گروه‌های خوشه‌ای که با رهبری مرکزی در ارتباط نیست، پیشنهاد شد. در این استراتژی، تمرکز بر جهاد در سرزمین‌های مقیم افراد توصیه می‌شود؛ بنابراین گروه‌ها، عملیات‌هایی را بدون دستور مستقیم از فرماندهی و رهبری مرکزی اجرا می‌کنند. اینجاست که نقش مهم اینترنت آشکار می‌شود. صفحاتی در فضای مجازی مثل «دلیل سموم المجاهدین» که حاوی آموزش‌های ساخت مواد و گازهای سمی است، نمونه بارز پیاده کردن این استراتژی است. در حال حاضر نیز «موسوعة الجهاد» و مجله «Inspire» که حاوی چگونگی ساخت سلاح و مواد منفجره در مکان‌های بسیار ساده و چگونگی اجرای عملیات‌هاست، از نمونه‌های دیگر است. این استراتژی یک سال پس از شروع حوادث سوریه ادامه داشت، تا اینکه استراتژی نظامی این سازمان با توجه به شرایط جغرافیایی و امنیتی هر کشور، متفاوت شد. در همین راستا، استراتژی نظامی القاعده متمرکز نیست بلکه با توجه به شرایط مکانی متفاوت است. مثلاً جبهة النصره شاخه این سازمان در سوریه، گاهی اوقات از جنگ شهری و پارتیزانی و در نهایت نبردهای کوتاه‌مدت استفاده می‌کند و تا اندازه‌ای نیز موفق بوده است و برخی مواقع نیز از تک و پاتک استفاده می‌کند؛ اما شاخه‌های این سازمان در صحرای سینا، بیشتر از عملیات‌های چریکی، انتحاری و بمب‌گذاری بهره می‌جویند.

استراتژی نظامی داعش بسیار پیشرفته‌تر از القاعده است. داعش که از دل القاعده بیرون آمده است، از همان آغاز با رهبری ابومصعب الزرقاوی، یک تفکر نظامی و جهادی مستقل داشت. الزرقاوی همان‌گونه که ادبیات القاعده را در تفکر

جهادی دنبال می‌کرد، مسلک و شیوه‌ای را در عرصه میدانی داشت که بر توسعه و پیشرفت نظامی القاعده متمرکز بود. این مسئله ادامه پیدا کرد تا اینکه قرائت جدیدی از ادبیات جهادی نزد سلفی‌ها در عراق ایجاد شد که با ادبیات القاعده بسیار متفاوت است.

داعش یک استراتژی و تفکر نظامی بسیار افراطی و خشن دارد. در اصل، استراتژی نظامی داعش به دلیل قساوت در عملیات‌های جنگی و نوع خشن هدف قرار دادن دشمن، با سایر گروه‌های سلفی همچون القاعده متمایز می‌شود. داعش در کشتن افراد، نهایت قساوت را دارد و افراد را ذبح و سپس تصویر آن را در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی منتشر می‌کند.

داعش بر اجرای متوازن و هم‌زمان «تک و پاتک» استوار است؛ یعنی حین دفاع از تصرفات خود، به توسعه اراضی ادامه می‌دهد. داعش بر استراتژی جنگ باز با دشمن متمرکز است تا بتواند خلافت اسلامی خود را ایجاد کند و گسترش دهد. این بدان معناست که این سازمان، جنگ کلاسیک را در دستور کار خود قرار داده و به همین دلیل توانسته است بسیاری از اراضی سوریه و عراق را تصرف کند. این استراتژی تاکتیک‌های نظامی متفاوتی از القاعده داشته است. برخی از این تاکتیک‌ها عبارت‌اند از:

1. تکیه بر اصل غافلگیری در انتخاب اهداف مشخص و حمله به آنها مانند آنچه در رقه و موصل رخ داد.
2. سرعت در حرکت به سوی اهداف مشخص در مناطق مسطح و دشت (مرزهای عراق و سوریه) و همچنین مناطق کوهستانی و صعب‌العبور با موانع طبیعی فراوان (مرزهای سوریه و لبنان)؛
3. اجرای عملیات‌های برق‌آسا از طریق به کارگیری تعداد زیادی از نیروها علیه اهداف مشخص به ویژه روستاها و شهرهای کوچک؛ در همین راستا، 185

روستا در ریف عین‌العرب طی یک هفته اشغال شد (فرحات، 2014/11/25).

4. تمرکز بر عملیات‌های انتحاری و اتومبیل‌های بمب‌گذاری‌شده در ورودی‌ها، پایگاه‌ها و پادگان‌های نظامی، مانند عملیات مقرر فرماندهی تیپ 17 رقه (فرحات، 2014/11/25)؛ نیروهای داعش، پس از وقوع انفجار، به شکل مستقیم پیشروی و برای اشغال نقطه هدف اقدام می‌کنند.

5. استفاده از ستون پنجم در شهرهای بزرگ با هدف سهولت در حمله به شهر مانند حمله به شهر رقه و اشغال آن که فقط چند ساعت طول کشید یا شهر موصل که ارتش و نیروهای امنیتی آن خلع سلاح شدند و داعش به سرعت وارد شهر شد.

6. تکیه بر شیوه ضربه زدن و ترساندن؛ بر اساس این شیوه، پس از ضربه زدن به دشمن، اقدامات بسیار خشنی انجام می‌دهند و تصاویر آنها را روی شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند. این اقدام در حمله به عشایر دیرالزور در سوریه و همچنین عشیره ابونمر در عراق انجام شد.

7. حمله و عقب‌نشینی به جای دفاع: داعش غالباً در حالت هجومی است و کمتر اقدامات دفاعی دارد. حتی در برخی برهه‌ها، به جای دفاع و مبارزات دفاعی، از عقب‌نشینی استفاده کرده است تا بتواند در فرصتی مناسب مجدداً منطقه مد نظر را بازپس گیرد. این مقوله در منطقه السفیره نزدیک حلب و جرف الصخر مشهود است.

داعش در حالت هجومی و حمله، خمپاره و آرپی‌جی را به کار می‌گیرد، سپس نیروهایی را که سلاح‌هایی همچون دوشکا و خمپاره‌اندازها را حمل می‌کنند، به معرکه وارد می‌کند تا آتش شدیدی را بر سر نیروهای هدف بریزند. در همین اثنا، یگان‌های تک‌تیرانداز نیز نیروهای مقاومت را شکار می‌کنند. در حالت هجوم از مسافت‌های طولانی یا به عبارت دیگر، درگیری دور نیز، داعش

تقریباً مانند القاعده بر نیروهای انتحاری خود متمرکز است. این اقدام یا از طریق اتومبیل‌های انفجاری یا توسط برخی نیروها همراه کمربند انفجاری انجام می‌گیرد؛ اما تفاوتی که با تاکتیک القاعده دارد، این است که پس از ورود نیروهای انتحاری به صفوف نیروهای مقاومت، یگان‌های مسلح با سلاح‌هایی مانند پی.کاسی و دوشکا وارد درگیری می‌شوند. استفاده از نیروهای انتحاری در این حالت، فقط وارد کردن خسارت سنگین به طرف مقابل نیست بلکه از بین بردن روحیه نیروهای مقاومت هدف اصلی است.

درباره استراتژی جنگی داعش برخی معتقدند نباید فقط در مکان و نقطه واحدی به جنگ و مبارزه پرداخت، زیرا شکست در یک مکان به معنای پایان مبارزه خواهد بود، اما برخی دیگر معتقدند باید ملتزم به اهداف خلافت بود. این اهداف عبارت‌اند از: دفاع از قلمرو خلافت و تسری ساختار دینی - حکومتی خلافت به این اراضی. بنابراین داعش تحرک و پیشروی نظامی کوچک را در دستورکار قرار داده است تا بتواند از اراضی تحت سیطره خود محافظت کند. بر همین اساس، داعش استراتژی «هجرت به سرزمین خلافت» را مطرح کرده است (مزوز، 2015). طبق این استراتژی، تمام حامیان داعش، برای جهاد و مبارزه، به سرزمین خلافت اسلامی (بخش‌هایی از سوریه و عراق) مهاجرت می‌کنند و به صورت فردی در کشورهای خود اقدام به عملیات نمی‌کنند مگر اینکه بتوانند قسمتی از یک کشور را که در نقشه خلافت اسلامی یعنی از جنوب شرقی آسیا تا شمال آفریقا است، به تصرف خود درآورند و در آینده به خلافت بزرگ اسلامی ملحق کنند، مانند تصرف شهر سرت در لیبی در اوایل سال 2015.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی عملکرد و نحوه رشد و گسترش و اهداف دو سازمان القاعده و

داعش، می‌توان گفت سیر تحول و تطور از القاعده به داعش عمدتاً از سادگی به پیچیدگی، از کم‌توجهی به رسانه‌های گروهی و شبکه‌های اجتماعی به بهره‌گیری واقعی و همه‌جانبه، از هدف قرار دادن غیرمسلمانان به کشتار مسلمانان، از تعریف موسع و گسترده اسلام و دایره مسلمانان به تعریفی مضیق، از تصمیم‌های نسبتاً انفرادی به ساختاری تشکیلاتی، از اصرار نداشتن بر اشغال اراضی به لزوم گسترش اراضی تحت تصرف با هدف استقرار خلافت اسلامی بوده است.

مسئله فلسطین نیز یکی دیگر از شاخصه‌هایی بود که تفاوت تفکر دو سازمان جالب بوده است. القاعده با اعلام جنگ صلیبی علیه امریکا و حامیانش در حقیقت نقشی تحریکی در قبال مسئله فلسطین داشته است، اما داعش با راه انداختن جنگی مذهبی و طایفه‌ای در سوریه و عراق، از یک سو فلسطینی‌ها را عملاً وارد این درگیری‌ها کرد و از سوی دیگر با اشغال بخش‌های بزرگی از عراق و سوریه، ضمن اضمحلال ارتش‌های این دو کشور مهم عربی و ورود برخی حامیان دو جبهه درگیر در کشورهای عراق و سوریه، خیال رژیم اسرائیل را از جبهه شرقی آسوده کرد. بنابراین داعش نقش تخریبی در قبال بحران فلسطین ایفا کرده است.

از نتایج دیگر تغییر و تطور در سازمان القاعده و رشد و توسعه سازمان داعش، جابه‌جایی اهداف و نقاط ثقل درگیری بود. در حالی که القاعده با هدف قرار دادن غرب به نوعی موجد تشویش و اضطراب در این بخش از جهان شده بود، داعش جهان اسلام به ویژه کشورهای خاورمیانه را دچار تزلزل و مشکلات امنیتی کرد. جزم‌اندیشی و قشری‌نگری القاعده و داعش در تحلیل روایات و آیات قرآنی و انطباق ناقص آنها با شرایط کنونی جهان اسلام و جهان غیر اسلام، در این مقاله کاملاً هویدا و مشهود شده است. داعش با تفسیر دشمن نزدیک به شیعیان و غیرمعتقدین به اندیشه‌ها و اعتقادات خود، به کشتارهای گسترده‌ای در این راستا

دست زده‌اند. القاعده و داعش هر دو به غیریت‌سازی روی آورده‌اند تا اعمال خشونت‌آمیز خود را توجیه کنند. «غیر» برای القاعده در درجه اول صلیبی‌ها (غرب) هستند، اما برای داعش، شیعیان و اهل سنت معارض و مخالف آنها.

منابع فارسی

- قادری، حاتم (1390)، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، چ 11، تهران: انتشارات سمت.
- رنجبر شیرازی، مصطفی و دیگران (1393)، *جریان‌شناسی داعش*، تهران: انتشارات سخنوران.
- فیرحی، داوود (1392)، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، چ 10، تهران: انتشارات سمت.
- بخشی شیخ احمد، مهدی و دیگران (1393)، «بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری - وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)»، *فصلنامه علوم سیاسی*، س 16، ش 64، زمستان.
- گودرزی، طاهره (1393)، «فلسطین در گفتمان سلفی‌گری جهادی»، *فصلنامه مطالعات فلسطین*، شماره پیاپی 27، تهران: مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا.
- ملازهی، پیرمحمد (1394)، «داعش جای طالبان را خواهد گرفت»، *دیپلماسی ایرانی*، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1951965/%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B4+%D8%AC%D8%A7%DB%8C+%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8%D8%A7%D9%86+%D8%B1%D8%A7+%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%87%D8%AF+%DA%AF%D8%B1%D9%81%D8%AA%D8%9F.html>
- گاردنر، فرانک (21 اوت 2015)، «زان چه نقشی در داعش ایفا می‌کنند»، بی‌بی‌سی فارسی، قابل دسترسی در: www.bbc.com/persian/.../150821_131_isis_women_role

منابع انگلیسی

- The ISIS Twitter Census: Defining and Describing the Population of ISIS Supporters on Twitter. J.M. Berger and Jonathon Morgan, March ۲۰۱۵ at: <http://www.brookings.edu/research/papers/2015/03/isis-twitter-census-berger-morgan>

منابع عربی

- أبوهنية، حسن (نوامبر 2014)، «تنظیم الدولة الإسلامية: النشأة، التأثير»، *المستقبل*، دوحه: مركز الجزيرة للدراسات.

- حسين، فؤاد (2005)، الزرقاوى؛ الجيل الثانى للقاعدة، الطبعة الأولى، بيروت: دار الخيال.
- الشورى، أحمد (2015/06/23)، أنماط التحول فى الإعلام الجهادى من القاعدة إلى داعش، قاهره: المركز الإقليمى للدراسات الإستراتيجية.
- الوسط البحرينية، «الفروقات فى الأدوار بين نساء القاعدة وداعش»، العدد 4714، الثلاثاء، 4 أغسطس 2015 الموافق 19 شوال 1436.
- المنار (2015)، «أثرىاء سعوديون يمولون عصابة داعش الارهابية»، 23 اب، للمراجعة:
<http://www.manar.com/page-25936-ar.html>
- فرحات، الياس (2014/11/25)، «التكتيك العسكرى لـ داعش»، صحيفة النهار، للمراجعة:
www.newspaper.annahar.com
- الأحمّد، أحمد (2015/02/06)، «التنظيم يرفض أسلوب عمليات (القاعدة) الانتحارية و يصّر على إستراتيجية الحرب المفتوحة فى المدن»، صحيفة الرياض، للمراجعة:
<http://www.alriyadh.com/1019301>
- معاً برس (2005/8/9)، «كبار قادة «داعش» اليوم من نتاج حملة صدام «الإيمانية» فى التسعينات،
<http://www.maanpress.com/arabic/?action=detail&id=79632>
- العاصمة (2014/5/8)، «ثمانية فروقات بين القاعديات و الداعشيات»، للمراجعة:
http://www.alasema.com/detail.aspx?id=19798_axzz3jMBMv9Vk
- الديار (2015)، «تعرف على الفرق بين نساء القاعدة و داعش؟!»، 7 آب، للمراجعة:
<http://www.addiyar.com/article/1021916-%D8%AA%D8%B9%D8%B1%D9%81-%D8%B9%D9%84%D9%89-%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B1%D9%82-%D8%A8%D9%8A%D9%86-%D9%86%D8%B3%D8%A7%D8%A1-%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A9-%D9%88%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B4>
- محمد، جاسم (2015/02/08)، «القاعدة» «داعش» «الإخوان» .. الجذور والفروقات»، شبكة الرؤية الإخبارية، للمراجعة:
<http://www.roayahnews.com/%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A9-%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B4-%D8%A7%D9%84%D8%A5%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D9%84%D8%AC%D8%B0%D9%88%D8%B1-%D9%88%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%B1%D9%88/08-796043.html>

- مزوز، عبد الغنى (2015)، «العقيدة القتالية لتنظيم الدولة الإسلامية»، موقع الإسلام الثورى، للمراجعة:
http://www.islamrevo.com/2015/01/blog-post_19.html
- سعيد، محمد (2015/03/10)، ما هي الجماعات الارهابية التي بايعت داعش؟، الموقع نجوم مصرية،
 للمراجعة: <http://www.nmisr.com/arab-news/95584>
- صالح، أمل (جولاي 2015)، داعش و القاعدة : اتفاق حينا و صراع أحيانا، الموقع يناير، للمراجعة:
<http://yanair.net/?p=2347>
- مجدى، زهراء (2015/01/19)، بين داعش و القاعدة: خلافات الفكر و التنظيم و الأيدولوجيا، الموقع ساسة
 بست، للمراجعة: <http://www.sasapost.com/comparison-isis-elqaeda/>
- أبو الوليد، أحمد (2013/10/09)، تنظيم القاعدة محاولة لفهم الاستراتيجيات و الهيكل التنظيمى، الموقع
 أنباء ساحل، للمراجعة:
<http://www.anbasahel.com/index.php/2013-07-10-00-30-24/912-2013-10-09-16-27-39>
- عبدالحليم، محمد (2015/04/11)، «داعش و القاعدة».. أنجهما الاحتلال و فرقتهما «الإمارة»، الموقع
 دوت مصر، للمراجعة:
<http://www.dotmsr.com/details/%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A9-%D9%88%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B4-%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%81%D8%A7%D8%AA-%D9%85%D9%85%D8%B2%D9%88%D8%AC%D8%A9-%D8%A8%D8%A7%D9%84%D8%AD%D9%86%D9%8A%D9%86>
- مزاحم، هشام (2015/04/29)، «داعش» و «القاعدة» و تكفير الشيعة، مركز بيروت لدراسات الشرق
 الأوسط، للمراجعة: <http://www.beirutme.com/?p=11283>
- سند السويدى، جمال (2015)، السراب، مركز الإمارات للدراسات والبحوث الاستراتيجية، للمراجعة:
<http://24.ae/article/151162/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%A8-%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AD%D9%84-%D8%AA%D8%B7%D9%88%D8%B1-%D8%AA%D9%86%D8%B8%D9%8A%D9%85-%D8%A7%D9%84%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D8%A9.aspx>
- الشريبنى، عصام و مصطفى مراد و محمد عفيفى و نورا الغزالى، (2014/09/14)، «تكشف طرق تجنيد
 داعش للمصريين على فيس بوك»، صحيفة المصريون، للمراجعة:
<http://almesryoon.com/%D9%85%D9%84%D9%81%D8%A7%D8%AA/556127-%D9%86>

D9%83%D8%B4%D9%81-%D8%B7%D8%B1%D9%82-%D8%AA%D8%AC% D9%86% D 9
%8A%D8%AF-%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B4-%D9%84%D9%84%D9% 85% D8% B
5%D8%B1%D9%8A%D9%8A%D9%86-%D8%B9%D9%84%D9%89-%D9%81%D9%8A% D8%B3-
%D8%A8%D9%88%D9%83

محمد، جاسم (2014/12/15)، وسائل و أساليب التجنيد عند «الدولة الاسلامية»، شبكة رؤية الإخبارية، للمراجعة:

[http://www.roayahnews.com/%D9%88%D8%B3%D8%A7%D8%A6%D9%84-%D9%88% D8%
A3%D8%B3%D8%A7%D9%84%D9%8A%D8%A8-%D8%A7%D9%84%D8%AA%
D8%AC%D9%86% D9%8A%D8%AF-%D8%B9%D9%86%D8%AF-%D8%A7%D9%84%
D8%AF%D9%88%D9%84%D8%A9-%D8%A7%D9%84%D8%A7/15-752951.html](http://www.roayahnews.com/%D9%88%D8%B3%D8%A7%D8%A6%D9%84-%D9%88% D8%
A3%D8%B3%D8%A7%D9%84%D9%8A%D8%A8-%D8%A7%D9%84%D8%AA%
D8%AC%D9%86% D9%8A%D8%AF-%D8%B9%D9%86%D8%AF-%D8%A7%D9%84%
D8%AF%D9%88%D9%84%D8%A9-%D8%A7%D9%84%D8%A7/15-752951.html)

مدحت، سمير (2015/02/22)، «وسائل الإعلام من القاعدة إلى داعش.. الإرهاب يصلك أينما كنت،

صحيفة الدستور، للمراجعة: <http://www.dostor.org/776726>

الدحيلان، عبدالله (2015/02/20)، «داعش يستعين بمؤهلين فنياً عن بعد في حرب الصورة»، صحيفة

الحياة، قابل دسترسى در:

[عنجرينى، صهيب \(2015/09/24\)، «جديد «القاعدة»: «الذئاب المنفردة» تتحول إلى «قطعان» على](http://www.alhayat.com/Articles/7536997/-%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B4--%D9% 8
A %D8%B3%D8%AA%D8%B9%D9%8A%D9%86-%D8%A8%D9% 85%D8% A4% D9 %87%
D9%84%D9%8A%D9%86-%D9%81%D9%86%D9%8A%D8%A7%D9%8B-%D8%B9%D9%86-
%D8%A8%D8%B9%D8%AF-%D9%81%D9%8A-%D8%AD%D8 %B1%D8%A8--
%D8%A7%D9%84%D8%B5%D9%88%D8%B1%D8%A9-</p>
</div>
<div data-bbox=)

المسرح السورى»، صحيفة الأخبار، للمراجعة: <http://www.al-akhbar.com/node/242733>

فرحات، الياس (2014/11/25)، «التكتيك العسكرى لـ داعش»، صحيفة النهار، للمراجعة: